

عوامل شکل‌گیری خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب

محمدحسین شریفی ساعی^۱، تقی آزادارمکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴

چکیده

این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که عوامل خیانت زناشویی در خانواده ایرانی شامل چه مواردی است. پژوهش حاضر، از روش «فراترکیب کیفی» مطالعات پیشین استفاده کرده است. در این راستا، ۷۸ مقاله علمی-پژوهشی در ایران که به موضوع خیانت زناشویی پرداخته‌اند، شناسایی و تحلیل شدند و تمام یافته‌های آنها استخراج و مورد کدگذاری چندمرحله‌ای قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل خیانت زناشویی در ایران را می‌توان تحت ۹ مقوله اصلی، طبقه‌بندی نمود که شامل موارد زیر است؛

۱- عوامل اجتماعی؛ ۲- عوامل روان‌شناختی؛ ۳- عوامل فرهنگی؛ ۴- عوامل خانوادگی؛ ۵- عوامل فردی؛ ۶- عوامل رابطه‌ای؛ ۷- عوامل اقتصادی؛ ۸- عوامل رسانه‌ای و ۹- عوامل زمینه‌ای. هریک از این مقوله‌های اصلی، به زیرمقوله‌های مختلفی تقسیم شده است. در این راستا، عوامل اجتماعی پدیدآورنده خیانت، شامل «فرصت‌های خیانت»، «گروه‌های دوستی» و «شرایط محیطی» بوده است. عوامل روان‌شناختی خیانت، شامل «نوع شخصیت افراد»، «سبک‌های دلبستگی» و «نوع طرحواره عشق» آنهاست. عوامل فرهنگی نیز به «تغییر ارزش‌ها و باورها» و «نوع تربیت دینی» افراد اشاره داشته است. عوامل خانوادگی نیز شامل «ازدواج نامناسب»، «اختلافات خانوادگی» و «نوع پیشینه خانوادگی» افراد است. همچنین عوامل فردی شامل «نارضایتی جنسی»، «نارضایتی عاطفی»، «احساس تنهایی»، «فقدان دسترسی به همسر»، «ضعف در کنترل همسر»، «خشونت خانگی»، «انتقام از همسر» و «نقش نفر سوم رابطه» است. عوامل اقتصادی نیز شامل «پایگاه اقتصادی فرد»، «نقش مشکلات مالی» و «انگیزه ورود به خیانت به بهانه پیشرفت‌های کاری و شغلی» بوده است. عوامل رسانه‌ای نیز به «تضعیف ارزش‌های ایرانی از طریق شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای» و همچنین «تولید نیازهای جدید توسط رسانه‌ها» تأکید نموده است. در آخر، عوامل زمینه‌ای نیز شامل نقش «سن» و «جنسیت» در خیانت بوده است. یافته‌ها نشان داد که خیانت در بین مردان و در بین جوانان ایرانی، بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی رخ داده است.

واژگان کلیدی: خیانت زناشویی، خیانت جنسی، خیانت عاطفی، روابط فرزاناشویی، فراترکیب کیفی.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Sharifisaei@ut.ac.ir

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

مقدمه

تا همین دو دهه گذشته، به زحمت می‌شد «خیانت زناشویی»^۱ را جزو «ده عامل اول» طلاق و فروپاشی خانواده در ایران قلمداد کرد اما دیری نگذشت که با اعلام افزایش طلاق‌ها در اواسط دهه ۱۳۸۰، بتدریج «خیانت»^۲ نیز، خود را به پنج عامل اول جدایی‌ها رسانده و اکنون طبق گزارش‌های مختلف، خیانت زناشویی به یکی از عوامل اصلی طلاق در کشور بدل شده است.^۳ پژوهش‌های زیادی مؤید این واقعیت هستند که خیانت و روابط فرازناشویی، از عمده‌ترین دلایل از هم پاشیدگی روابط زناشویی و زمینه اصلی تعارضات و اختلافات زناشویی است (مدرسی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر به این تغییرات که بتدریج در سال‌های اخیر روی داده است نظری بیافکنیم، متوجه این مسئله اجتماعی خواهیم شد. در این میان، هرچند آمار رسمی در مورد میزان خیانت، در ایران منتشر نشده است (آسایش و همکاران، ۱۳۹۵؛ فیروزجائیان و قدیری، ۱۳۹۶) ولی آمارهای غیرمستقیم از دادگاه‌های خانواده و پژوهش‌های مختلف، خبر از گسترش وقوع خیانت زناشویی نسبت به سال‌های گذشته در جامعه ایرانی دارد.^۴ گویی واقعه‌ای مهم در حال رخ دادن است؛ یک چرخش در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه‌ای است که هنجارهای تک‌همسری، در آن کمتر از گذشته تأثیرگذار است؛ شرایطی که ارائه تحلیلی عمیق در این رابطه را ضروری می‌سازد. با این همه، خانواده با همه فراز و فرودهایش، همچنان

1. Marital Infidelity

۲. مطالعه علمی تمایلات جنسی (Sexuality) همیشه با مشکل پیدا کردن «اصطلاحات خنثی» (Neutral Terminology) برای توصیف برخی رفتارهای پنهان مواجه بوده است که گاه موجب شکل‌گیری تقابل‌های اخلاقی قوی نسبت به آن شده است. به همین دلیل، برخی به جای تعبیر «خیانت» (Infidelity) از تعابیری چون «روابط فرازناشویی» (ExtraMarital Sex) برای این روابط یاد می‌کنند تا به‌زعم خود این واژه را از بار ارزشی، «خنثی» کنند؛ هرچند جستجوی گسترده نویسنده در ادبیات علمی انگلیسی‌زبان (که در منابع کار نیز موجود است) نشان داد که در مقالات علمی و پایان‌نامه‌های دانشجویی، از واژه «خیانت»، بسیار بیشتر از واژه «روابط فرازناشویی» استفاده شده است. به همین دلیل، نویسنده حاضر نیز در توصیف این پدیده، بدون تعلق ارزشی به واژه‌ای خاص، از همین تعبیر «خیانت» بهره گرفته است.

۳. به نقل از مجید رضازاده، رئیس مرکز توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور. سایت خبری تابناک: ۶ مهر ۱۳۹۴.

۴. اباصلت شادفر؛ رئیس مجتمع قضایی خانواده شهید محلاتی اعلام کرد: «خیانت، در صدر مشکلات زوج‌هایی قرار دارد که به این دادگاه خانواده مراجعه می‌کنند». سایت خبری فرارو: ۲۶ مرداد ۱۳۹۴.

قلب تپنده جامعه ایرانی است؛ قلبی که هر از چندگاهی باید از خود پرسید این روزها چگونه می‌تپد و بیماری‌هایش کدام است؟ اکنون بنیان‌های «انسجام‌بخش» در خانواده ایرانی، نسبت به گذشته، با مشکلات پیچیده‌تری روبرو شده که یکی از پیامدهای آن در قالب گسترش خیانت و طلاق، نمایان است. پدیده‌ای چون خیانت که تا چندی پیش، امکان وقوعش در سطح گسترده چندان مهیا نبود حال گویی، با گسترش شبکه‌های اجتماعی، بسترهای آن در جامعه ایرانی امروز فراهم گردیده است. امروزه خیانت از طریق شبکه‌های اجتماعی، از مهمترین بسترهای تغییرات در این عرصه است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲).

در این میان، رشد و نفوذ فناوری‌های جدید در میدان تغییرات اجتماعی، نقشی مهم را بازی کرده‌اند و نظم هنجاری پیشین را به شیوه‌ای حیرت‌آور به چالش کشیده‌اند. از یک سوی، افزایش تحصیلات در سال‌های اخیر و ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و کار)، بتدریج ارتباط زن و مرد را ساده‌تر کرده است و از سوی دیگر، فناوری‌های ارتباطی جدید (مانند تلفن‌های هوشمند و چت‌های مجازی)، این ارتباط را پنهان نموده‌اند. امروزه رابطه با جنس مخالف (غیر از همسر قانونی) نه صرفاً با دیدارهای حضوری، بلکه با چت‌روم‌ها و تلفن‌های همراه تداوم می‌یابند و مدیریت می‌شوند. فراگیر شدن این امکانات ارتباطی، تأثیرات مهمی بر لایه‌های پنهان شهری داشته است. فناوری‌های نوین به «غیبت بدن‌ها» در محافل عمومی کمک نموده و در پی آن، «فرصت گمنامی» افراد را در سطح جامعه افزایش داده است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه خیابان‌ها، خلوت اما شبکه‌های اجتماعی مجازی، شلوغ شده است؛ قرارها با جنس مخالف به آنجا منتقل گردیده است که محیطی امن و البته پنهان را فراهم آورده است که هیچ گشت ارشادی و حتی خانواده‌ای، به راحتی یارای مقابله با آن نیست. شهروندان ایرانی از محدودیت‌های فضای عمومی پرهیز می‌کنند. «فناوری» در این میان نقش عمده‌ای را بازی می‌کند؛ تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی، ارتباط با جنس مخالف را در هر جایی ممکن ساخته است. مجازی شدن این ارتباط، کنترل همسر و خانواده را هم به کلی به چالش کشیده است. بی‌اطلاعی شریک زندگی، کنترل او بر همسرش را با مشکلاتی جدی مواجه نموده است؛ به ظاهر، درب‌های خانه بسته است و زوجین، سرمست از ایجاد امنیت برای زندگی خود، به خواب شبانه فرو می‌روند، غافل از آنکه یک طرف ماجرا (و گاه هر دو طرف)،

مشغول ارتباط‌های پنهان مجازی با شریک عاطفی و جنسی خویش در بیرون از خانه است؛ ارتباط‌هایی که با ورود رایانه، تلفن‌های هوشمند و اینترنت پرسرعت به خانه‌ها، حتی به شکل تصویری هم صورت می‌پذیرد؛ تغییراتی که در همین دو دهه پیش، خیال آن هم خیالی محال می‌نمود اما امروزه همین تغییرات فناوری، مناسبات در حوزه فردی و اجتماعی را به کلی دگرگون کرده و ما را مجبور به تغییر عینک تحلیل خود نموده است تا جهانی دیگر را در زیر لایه‌های پنهان جامعه شهری نظاره کنیم.

اینها همه گویای آن است که امروزه تحولات مختلفی در جامعه ایرانی، در حال روی دادن است. گسترش اینگونه روابط، از جمله موضوعات حساس و عموماً مغفول در امر سیاست-گذاری و مطالعات آکادمیک در ایران است. مسئله‌ای که تا چندی پیش، آنچنان پنهان می‌نمود (یا می‌نمودیم) که بسیاری گمان می‌کردند چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی هم ندارد، اما نتایج تحقیقات جدید، تنها نوک کوه یخی را نشان می‌دهند که چشمان بسته در ایران، سال‌ها از آن می‌گریختند. با این همه، در مطالعات پیشین در جامعه ایرانی در حوزه خیانت زناشویی، عوامل مختلفی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و هر یک از این پژوهش‌ها از منظری خاص به خیانت زناشویی پرداخته‌اند. در این بین، کمتر مطالعه‌ای را می‌توان سراغ گرفت که با نگاهی جامع‌نگر و با رصد مطالعات پیشین در ایران، تصویر نسبتاً کاملی از کلیت عوامل یافت شده در تحقیقات پیشین در این حوزه را ارائه دهد. این همان رسالتی است که پژوهش حاضر تلاش نموده است که تا حد ممکن به آن پاسخ دهد. در این راستا، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که بر طبق مطالعات پیشین در ایران، چه عواملی منجر به شکل‌گیری خیانت زناشویی در خانواده‌های ایرانی شده است؟ و این عوامل را تحت چه مقوله‌ها و مضامینی می‌توان طبقه‌بندی نمود؟

مروری بر پیشینه پژوهش

ادبیات موجود در حوزه خیانت زناشویی فاقد یک توافق فراگیر بین متخصصان در این حوزه است. خیانت ممکن است به داشتن روابط فرازناشویی، فریب، ارتباط عاطفی و یا صرفاً جنسی تعبیر شود. فرهنگ دیکشنری آکسفورد، خیانت زناشویی را «رابطه جنسی» با شخصی غیر از

همسر قانونی فرد، به طور پنهانی و بدون اطلاع همسر، تعریف کرده است اما به نظر می‌رسد که این تعریف، امروزه ناقص است و الگوهای مختلف خیانت در جهان کنونی را به طور کامل پوشش نمی‌دهد. به همین دلیل در سال‌های اخیر، محققان این حوزه، تعریف خیانت زناشویی را به گونه‌ای بسط داده‌اند که دربرگیرنده سه حالت مختلف است: الف) خیانت جنسی^۱ (ب) خیانت عاطفی^۲ (ج) خیانت جنسی-عاطفی (ویکس^۳ و همکاران، ۲۰۰۳؛ پنی‌سیری، ۲۰۰۶؛ زولا^۴، ۲۰۰۷).

خیانت زناشویی اگرچه نوعی چندهمسری است اما با «چندهمسری توافقی» متفاوت است. در چندهمسری توافقی، زوجین مجازند با اطلاع و رضایت شریک زندگی، ارتباط جنسی یا عاطفی با دیگران را تجربه کنند. «چندهمسری توافقی» به دو طرف اجازه می‌دهد آزادانه با دیگران نیز رابطه داشته باشند. این رابطه می‌تواند در چارچوب توافق طرفین، هر نوع رابطه‌ای را در بر بگیرد؛ از یک رابطه عاشقانه چندطرفه گرفته تا معاوضه هم‌بستر و حتی گونه‌های دیگر رابطه «باز» که امروزه در برخی جوامع غربی رواج یافته است. یکی دیگر از خصوصیات تعیین‌کننده چندهمسری توافقی، این است که طرف‌های رابطه در مورد حدود مرزها با یکدیگر صحبت و در مورد آن «توافق» می‌کنند؛ مانند اینکه هر یک تا کجا می‌توانند پیش بروند یا با چه کسی و چگونه. اینها گویای آن است که خیانت زناشویی، فقط «چندهمسری» نیست؛ بلکه فراتر از آن، «چندهمسری پنهان» است. به عبارتی، خیانت زناشویی با مفهومی به نام «فریب»^۵ گره خورده است (شوآنگ، ۲۰۱۳). در تمام الگوهای خیانت، نوعی فریب و پنهان‌کاری از همسر اول، وجود دارد؛ چرا که اگر فریبی نباشد، اساساً پدیده «چندهمسری»، به خودی خود الزاماً به معنای خیانت نیست و حتی در برخی جوامع و فرهنگ‌ها، به عنوان عرف عام، پذیرفته شده است. به همین دلیل «چندهمسری پنهان» است که معنای خیانت را به خود می‌گیرد.

در این میان، هلن فیشر^۶ (۲۰۱۰) که از انسان‌شناسان برجسته در حوزه عشق و خیانت در جهان است بیان می‌کند که اغلب مطالعات پیشین در حوزه خیانت زناشویی، به نوعی از مشکلات روش‌شناختی رنج می‌برده‌اند؛ چرا که خیانت زناشویی را صرفاً به «خیانت جنسی»

-
1. Sexual Infidelity
 2. Emotional Infidelity
 3. Weeks
 4. Zola
 5. Deception
 6. Helen Fisher

تقلیل داده‌اند و لذا در بسیاری تحقیقات، از مطالعه «خیانت‌های عاطفی» که بیشتر کنشی «زنانه» است پرهیز کرده‌اند و دقیقاً به همین دلیل، خیانت را بیشتر امری «مردانه» دانسته‌اند؛ چرا که «خیانت جنسی»، بیشتر ذائقه‌ای مردانه است (همان، ۲۰۱۰). در ایران نیز اغلب تحقیقاتی که به حوزه خیانت زناشویی پرداخته‌اند، خیانت را صرفاً به معنای «خیانت جنسی» در نظر گرفته‌اند (رک: کاوه، ۱۳۸۳؛ سهرابی و رسولی، ۱۳۸۷؛ علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳). در برخی دیگر از تحقیقات ایرانی نیز حتی یک تعریف ساده از «خیانت» آورده نشده است و خواننده نمی‌داند که منظور دقیق نویسنده از مفهوم مبهم «خیانت» در نوشتار چیست (بنگرید به: هنروپروان، ۱۳۹۳) اینها همه گویای ابهام در حوزه تعریف خیانت در جامعه ایرانی است. با این همه، تحقیق حاضر با الهام از دیدگاه فیشر (۲۰۱۰) به بازتعریف مفهوم خیانت زناشویی پرداخته است و آن را «هر نوع نقض تعهدات زناشویی در تضاد با انحصار جنسی و یا انحصار عاطفی شریک زندگی» می‌داند و در این راستا و با چندبعدی دیدن معنای «خیانت زناشویی» در قالب دو بُعد اساسی «خیانت جنسی» و «خیانت عاطفی»، دامنه مطالعه خود را گسترش داده است تا درک بهتر و جامع‌تری نسبت به این پدیده بدست آورد.

«خیانت زناشویی» صرفاً مربوط به کشورهای غربی نیست بلکه پدیده‌ای کاملاً فراگیر در سراسر جهان است. براساس مطالعه‌ای از ۱۶۰ فرهنگ جهان، خیانت یکی از اصلی‌ترین عوامل طلاق‌ها و جدایی‌هاست (بتزیگ^۱، ۱۹۸۹). خیانت زناشویی، عمده‌ترین دلیل برای مراجعه زوجین به کلینیک‌های مشاوره خانواده است و از قضا یکی از مشکل‌ترین مسائل زناشویی برای درمانگران خانواده است (گوردون^۲ و همکاران، ۲۰۰۵). برآوردها نشان می‌دهند که میزان خیانت زناشویی بین ۱۱ تا ۷۰ درصد در نوسان است. طبق نتایج تحقیقات معتبر، حداقل ۱۱ درصد زنان و ۲۵ درصد مردان در روابط جنسی خارج از حیطه ازدواج درگیر هستند (بلو و هارتنت^۳، ۲۰۰۵). البته این آمار صرفاً در شرایطی است که همه چیز، عادی است و مشکلی در زندگی زناشویی وجود ندارد! چرا که این نرخ در وضعیتی که درگیری عاطفی بین زن و شوهر پدید

1. Betzig

2. Gordon

3. Blow & Hartnett

می‌آید و نارضایتی جنسی و یا عاطفی بین طرفین رخ می‌دهد، آمار بی‌وفایی زوجین به یکدیگر تا مرز ۷۰ درصد نیز افزایش می‌یابد (همان، ۲۰۰۵).

از طرفی، در گذشته تصور می‌شد که خیانت زناشویی ناشی از اختلالی (با منشأ نارضایتی جنسی، عاطفی و یا نظایر آن) در درون رابطه زوجین است اما نتایج تحقیقات جدیدتر نشان می‌دهد که افراد خوشحال هم خیانت می‌کنند. نیومن^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود بیان می‌کند که ۳۴ درصد زنان و ۵۶ درصد از مردانی که خیانت کرده بودند اعلام کرده‌اند که در حین تجربه خیانت، از قضا «ازدواج بسیار سعادتمندانه‌ای» هم داشته‌اند (همان، ۲۰۰۸)؛ گویی نارضایتی‌های زندگی نیز دیگر بهانه‌ای کافی برای ورود به روابط جدید نیست. خیانت، غالباً تا سال‌ها از شریک زندگی پنهان می‌ماند و حتی بیش از ۶۰ درصد آنها هیچگاه فاش نمی‌شوند (توئنارد^۲، ۲۰۰۹). اینها همه گویای آن است که بسیاری از الگوهای خیانت، بی‌آنکه شناسایی شوند تا سال‌ها ادامه می‌یابند.

میزان خیانت زناشویی در چند دهه اخیر در جهان، دائماً در حال افزایش بوده است. مطالعه روندهای مختلف نشان می‌دهد که آمار خیانت در همین نیم قرن اخیر در آمریکا، بیش از سه برابر شده است (کینزی^۳ و همکاران، ۱۹۵۳؛ هانت^۴، ۱۹۷۴؛ لاورنس^۵، ۱۹۸۹؛ فیشر، ۱۹۹۲؛ بلو و هارتنت، ۲۰۰۵). در سال‌های اخیر، فناوری‌های نوین، الگوهای خیانت را نیز تغییر داده است. امروزه خیانت، صرفاً رابطه جنسی یا بیرون رفتن با فردی غیر از همسر نیست؛ چرا که سایت‌های دوست‌یابی آنلاین^۶ قرارهای پنهان با جنس مخالف را به شبکه‌های مجازی کشانده است. امروزه یکی از شایع‌ترین راه‌های خیانت از طریق شبکه‌های اجتماعی است و دوست‌یابی‌های آنلاین، رایج‌ترین ابزار خیانت در جهان معاصر است که از آن، گاه با تعبیر «خیانت آنلاین»^۷ یاد می‌شود (میلهم^۸، ۲۰۰۷). با این همه، مطالعات پیشین نشان داده است که خیانت با متغیرهای

1. Neumann

2. Touesnard

3. Kinsey

4. Hunt

5. Lawrence

6. Online Dating

۷. البته «خیانت آنلاین» (Online Infidelity) شامل موارد دیگری چون هرزه‌نگاری اینترنتی (Internet Pornography)

نیز می‌شود اما در اینجا منظور از خیانت آنلاین، منحصرأ رابطه پنهانی (در سطح عاطفی یا جنسی) با جنس مخالف در قالب شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر نت است.

8. Mileham

مختلفی چون جنسیت، مذهب، وضعیت اقتصادی و نظایر آن رابطه دارد که در ادامه به توضیح بیشتر آنها می‌پردازیم.

تقریباً همه آن چیزی که ما در رسانه‌ها درباره خیانت می‌شنویم، داستان‌هایی است درباره «مردانی» که به همسرانشان خیانت می‌کنند و نه برعکس (لانگلی^۱، ۲۰۰۵). در گذشته تصور می‌شد که خیانت زناشویی، بیشتر امری مردانه است و این مردان هستند که سهم حداکثری از خیانت را بر عهده دارند. البته این آمارها یک چیز را به درستی نشان می‌دهند و آن هم اینکه «خیانت جنسی» در مردان، دو تا سه برابر زنان است (فیشر و همکاران، ۲۰۱۰)؛ چرا که بسیاری از مردها می‌توانند بدون هیچ پیوند عاطفی با زنی غیر از شریک زندگی خود وارد رابطه جنسی شوند اما کمتر زنی مشتاق به چنین تجربه جنسی صرف و فارغ از محتوای عاطفی است. به همین دلیل، مشتریان اصلی روسپیان نیز عموماً مردان هستند (ویتلی، ۲۰۰۵). اینها گویای آن است که مردها بیشتر تمایل به خیانت از نوع رابطه جنسی^۲ دارند؛ این در حالی است که زن‌ها بیشتر تمایل به گذراندن زمان با فردی غیر از همسر و برقراری رابطه عاطفی با او را در سر دارند (همان، ۲۰۰۵). نکته مهم همین‌جاست که اگر «خیانت زناشویی» را صرفاً به «خیانت جنسی» تقلیل دهیم، آنگاه «خیانت عاطفی» که عرصه‌ای بیشتر زنانه است را از نظر دور انداخته‌ایم و مطالعه بخشی از واقعیت را به حاشیه رانده‌ایم. لذا پژوهشگران در کارهای جدیدتر بتدریج اعلام کرده‌اند که مطالعات پیشین در حوزه خیانت زناشویی، مشکلات روش‌شناختی داشته است؛ چرا که محققان باید دقیقاً منظورشان از «خیانت زناشویی» را تعریف می‌کردند (همان، ۲۰۱۰). به طور مثال، برخی محققان، تخیلات جنسی^۳ و یا «گفتگوهای» جنسی یا عاطفی در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نسبت به افرادی غیر از شریک زندگی را از مصادیق خیانت می‌دانند و به همین دلیل، دامنه خیانت را گسترش می‌دهند (ویتلی^۴، ۲۰۰۷) و یا اینکه برخی محققان دیگر بر طبق همان الگوی گذشته، خیانت زناشویی را صرفاً همان خیانت جنسی تلقی می‌کنند. به همین دلیل با توجه به اینکه میزان خیانت «جنسی» در بین مردان، بیشتر از زنان است لذا خیانت، امری مردانه تلقی می‌شود اما در این میان، نکته‌ای که از آن غفلت شده، این است که خیانت عاطفی، در بین زنان بسیار بیشتر است

1. Longly

2. Sexual Encounter

3. Sexual Fantasies

4. Whitty

(ویت، ۲۰۰۵). نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که خیانت عاطفی، حتی می‌تواند خطرناک‌تر از خیانت جنسی باشد (شاکلفورد و باس^۱، ۲۰۰۲). با این همه، یافته‌های تحقیقات جدیدتر که خیانت عاطفی را هم در کنار خیانت جنسی به عنوان مصداق «خیانت زناشویی» قلمداد کرده‌اند، در نتایج تحقیق آنها، تفاوت‌های جنسیتی در میزان خیانت دیده نشده است بلکه تفاوت‌ها صرفاً در «نوع» خیانت بین زنان و مردان بوده است.

در همین راستا براند^۲ و همکارانش (۲۰۰۷) با انجام پژوهشی در مورد میزان شیوع خیانت در زنان و مردان دریافتند که چنانچه تعریف خیانت به «رابطه جنسی» محدود نشود و موارد دیگری همچون «رابطه عاطفی» را نیز دربر بگیرد، آنگاه نه تنها میزان خیانت در زنان، کمتر نیست بلکه گزارش میزان خیانت در مجموع، در جنس مؤنث، گاه حتی بالاتر است. در پژوهش آنها و طبق تعریف‌شان از خیانت (شامل خیانت جنسی یا خیانت عاطفی)، ۵۱ درصد از زنان خیانت کرده بودند؛ در حالی که ۳۹ درصد از مردان، رفتارهای حاکی از خیانت زناشویی نشان داده بودند. این در شرایطی است که خیانت جنسی صرف در مردان، بسیار بیشتر بوده است. همچنین یافته‌های آنها نشان داد زنان بعد از خیانت، بیشتر احتمال دارد که از همسرانشان جدا شوند یا با مرد شرکت‌کننده در خیانت‌شان (مردی که با او ارتباط خارج از چهارچوب داشته‌اند) ازدواج کنند و همین امر، خطرناک بودن خیانت عاطفی را برای کانون خانواده نشان می‌دهد اما مردانی که صرفاً خیانت جنسی می‌کنند (مثلاً با روسپیان) احتمال جدایی از همسر اصلی‌شان تقریباً اندک است. لذا این محققان نتیجه گرفتند که پژوهش‌هایی که در گذشته، میزان خیانت در مردان را بالاتر گزارش می‌دادند در تعریف گسترده و قابل قبول از خیانت، نوعی نقص روش‌شناختی داشته‌اند. کاهش تفاوت بین میزان خیانت در دو جنس در صورتی که تعریف از خیانت زناشویی را وسیع‌تر در نظر بگیریم، در پژوهش‌های دیگری هم نشان داده شده است (دریگوتاس^۳ و همکاران، ۱۹۹۹؛ ویدرمن^۴، ۱۹۹۷). بنابراین و برخلاف تصور اولیه، نتایج تحقیقات جدیدتر نشان داده است که

-
1. Shackelford & Buss
 2. Brand
 3. Drigotas
 4. Wiederman

مردان و زنان، تقریباً به میزان برابری دچار خیانت می‌شوند اما صرفاً نوع و الگوی غالب خیانت در هر دو جنس، متفاوت است (آداموپولو^۱، ۲۰۱۳).

اما خیانت، صرفاً پدیده‌ای قابل تقلیل به جنسیت افراد نیست بلکه فراتر از آن، با متغیرهای دیگری چون مذهب نیز رابطه دارد. مطالعات گذشته در حوزه خیانت، ارتباط مشخصی بین گرایش‌های مذهبی و احتمال خیانت را متصور نبودند (بلومستین و سوارتز^۲، ۱۹۸۳). گرچه تحقیقات جدیدتر نشان داده‌اند که رابطه مستحکمی بین تعلقات مذهبی فرد و گرایش او به خیانت وجود دارد. آتکینز و کسل^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود متغیرهایی چون احساس نزدیکی به خدا^۴، مناجات، نماز و متغیرهای دیگر مذهبی را مورد سنجش و در رابطه با خیانت افراد قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تعلقات مذهبی، رابطه‌ای معکوس با احتمال خیانت در افراد مختلف دارد. دلیل دیگری که آتکینز و کسل مطرح می‌کنند این است که شرکت در مراسمات مذهبی، نه تنها زمان و انرژی فرد را مصروف امور مذهبی می‌کند بلکه فراتر از آن با یافتن دوستانی مذهبی در این گروه‌های اجتماعی، جهت‌گیری فکری فرد را نیز تغییر داده و او را از لذت بردن در امور مادی به سمت لذت بردن از امور معنوی، سوق می‌دهد (آتکینز و کسل، ۲۰۰۸). بوردت و همکارانش (۲۰۰۷) نیز در مطالعه‌ای دیگر به نتایج مشابهی دست یافتند. آنها بیان نمودند که تعلق مذهبی^۵، شانس ورود به مسیر خیانت را برای افراد کاهش می‌دهد. آنها بیان کردند که بیشترین فراوانی خیانت در افرادی یافت شده است که پایین‌ترین تعلقات مذهبی را داشتند. با این حال افرادی چون بلاو و هارتنت (۲۰۰۵) با نقد مطالعات پیشین، دید ما را نسبت به این پدیده، کمی عمیق‌تر کردند. آنها عنوان نمودند که باید بین دو مفهوم «دینداری»^۶ و «معنویت»^۷ تفاوت قائل شد. از نگاه آنها، دینداری به معنای آن است که یک فرد با یک مذهب خاص آشنا شود و به «انجام رسومات و شعائر» آن بپردازد؛ در حالی که «معنویت» به معنای رابطه پایدار و به تعبیری «سفر دائمی»^۸ فرد با خدای خود اشاره دارد. بعلاوه، معنویت غالباً با

-
1. Adamopoulou
 2. Blumstein & Schwartz
 3. Atkins & Kessel
 4. Nearness to God
 5. Religious Affiliation
 6. Religiosity
 7. Spirituality
 8. Ongoing Journey

مفاهیمی چون «ارزش‌ها و اخلاق» گره خورده است اما در وابستگی مذهبی، ضرورتاً اینگونه نیست. دینداری بالاتر، الزاماً به معنای معنویت بالاتر نیست و ممکن است فرد دیندار، صرفاً به شعائر دینی پایبندی داشته باشد و به انسانی معنوی تبدیل نشده باشد. لذا آنها بیان داشتند که دینداری بالاتر، الزاماً به معنای کاهش شانس خیانت در افراد نیست؛ بلکه خیانت در افرادی پایین‌تر است که هم دینداری و هم معنویت بالاتری داشته باشند (بلاو و هارتنت، ۲۰۰۵).

جنبه دیگر تغییرات خیانت زناشویی در جامعه را باید در وضعیت اقتصادی شهروندان جستجو نمود. تحقیقات پیشین نشان داده است که وضعیت اقتصادی افراد، می‌تواند تا حدی بر رفتار جنسی و عاطفی آنها اثر بگذارد. نتایج مطالعه تریس و گیسن^۱ (۲۰۰۰) بیانگر آن است که اشتغال، همبستگی مثبتی با خیانت دارد؛ افرادی که شاغل هستند، بیشتر از بیکاران خیانت می‌کنند؛ چرا که شغل، هم قدرت اقتصادی برای فرد ایجاد می‌کند و هم فرصت‌های ارتباطی بیشتری برای او فراهم می‌سازد. البته اگر زن و شوهر، هر دو بیکار باشند، احتمال خیانت کاهش می‌یابد. خیانت در زمانی افزایش می‌یابد که یک طرف رابطه شاغل، و دیگری بیکار باشد (بلاو و هارتنت، ۲۰۰۵). از طرفی نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که بین سطح درآمد و احتمال خیانت نیز رابطه محکمی وجود دارد. آتکینز و همکارانش (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند افرادی که میانگین درآمدی بالاتری دارند، احتمال بیشتری دارد که به سمت خیانت سوق پیدا کنند. آنها عنوان می‌کنند که درآمد بیشتر، منابع بیشتری را برای فرد ایجاد می‌کند که با قدرت بیشتری می‌تواند وارد فعالیت‌های خیانت‌آمیز شود. البته آنها توضیح می‌دهند که افزایش احتمال خیانت صرفاً به خاطر افزایش درآمد نیست بلکه پول، از طریق ایجاد امکانات بیشتر برای فرد، فرصت‌های مناسب‌تری برای خیانت ایجاد می‌کند.

در این میان، متغیری که بررسی آن در حوزه خیانت، بسیار دشوار است، متغیر نقش «فرصت‌ها» در بروز خیانت است؛ چرا که محققان در این حوزه، به راحتی نمی‌توانند، فرصت‌ها را تعریف عملیاتی^۲ کنند (بلاو و هارتنت، ۲۰۰۵). به عنوان مثال، فرصت می‌تواند به تعداد افرادی اشاره داشته باشد که یک فرد در طول روز با آنها ارتباط و تماس دارد و یا در توصیف افرادی به کار رود که به دلایل مختلف کاری، تحصیلی و نظایر آن، زمان قابل ملاحظه‌ای را در بیرون از

1. Treas & Giesen

2. Operationalize

منزل و به دور از شریک زندگی خود سپری می‌کنند (گمر،^۱ ۲۰۱۳: ۴۴). محققان بیان کرده‌اند که محیط کاری، به مثابه یک فرصت بالقوه برای یافتن رابطه‌های جدید عمل می‌کند. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از خیانت‌های افراد مختلف با «همکاران» آنها بوده است؛ چرا که بیشترین زمان فرد به غیر از خانه، در محیط کار و با همکاران سپری می‌شود (همان: ۴۴). برخی مطالعات دیگر نیز نشان داد که زنان، بیشتر برای دستیابی به پیشرفت‌های شغلی خویش در محیط کار، اقدام به خیانت می‌کنند که این امر می‌تواند بیشتر با همکاران رده بالای فرد صورت گیرد تا در قبال آن امتیازهای شغلی برای زن به همراه آورد (بونک‌هوت^۲ و همکاران، ۱۹۹۹). به همین دلیل محققان به این نتیجه رسیدند که فرصت‌ها در محل کار^۳ به طور معنی‌داری، توزیع خیانت را تفسیر می‌کنند (لواندوسکی و آکرمان^۴، ۲۰۰۶). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد زوجینی که به هر دلیل، به صورت جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، فرصت‌های خیانت بیشتری دارند (گمر، ۲۰۱۳: ۴۴). مردان و زنان متأهلی که از نظر جغرافیایی، از همسرشان دور هستند، احتمال خیانت در بین آنها افزایش می‌یابد. این نکته که شریک زندگی فرد، در پیرامون او به طور ثابت حضور نداشته باشد، می‌تواند به عنوان یک فرصت برای بروز خیانت در نظر گرفته شود. البته فاصله جغرافیایی، مخصوصاً اگر طولانی‌تر هم شود، بدین معنا خواهد بود که برای زوجین، نوعی فشار ناشی از فقدان شریک جنسی-عاطفی ایجاد می‌کند و همین امر، با ایجاد اختلال در نظم جنسی و عاطفی فرد، او را به سمت تأمین نیازهای خود با فردی دیگر سوق می‌دهد (همان، ۲۰۱۳: ۴۵). با این همه، در حوزه فرصت‌ها، برخی تحقیقات جدیدتر، دیدگاه‌های رادیکال‌تری را ارائه می‌دهند. به طور مثال، گلاس^۵ (۲۰۰۲) در پژوهش خود روابط زوجینی را گزارش نمود که با همسران خود روابط پرنشاطی داشتند اما به محض یافتن فرصت مناسب، به خیانت اقدام می‌کردند و آن را به مثابه تجربه‌ای جذاب برای زندگی خود می‌پنداشتند.

-
1. Gemmer
 2. Boekhout
 3. Workplace
 4. Lewandowski & Ackerman
 5. Glass

از سوی دیگر، نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که احتمال خیانت در افراد مختلف با تجربه رابطه جنسی پیش از ازدواج در بین آنها نیز رابطه دارد. لوین^۱ (۱۹۷۵) نشان داد که احتمال وقوع خیانت و فراوانی این خیانت‌ها، همبستگی بالایی با تجربه روابط جنسی پیش از ازدواج در بین زنان دارد. او بیان کرد که یک زن، هرچه شریکان جنسی بیشتری را در پیش از ازدواج تجربه کرده باشد، احتمال بیشتری دارد که نتواند به تعهدات زناشویی خود پس از ازدواج وفادار بماند و وارد روابط خیانت‌آمیز شوند (به نقل از: گمر، ۲۰۱۳). در این میان، محققان دیگر نیز در مطالعات خود بیان کردند که صرف تجربه رابطه جنسی پیش از ازدواج، احتمال خیانت در دوران بعد از ازدواج را چندان افزایش نمی‌دهد؛ بلکه متغیر تعیین‌کننده در احتمال خیانت، «تعداد شریکان جنسی»، پیش از ازدواج است. در این راستا، تریس و گیسن (۲۰۰۰)، شاخصی ارائه داده‌اند و بیان می‌کنند که به ازای تجربه جنسی با «هر شریک جنسی» در پیش از ازدواج، به میزان «یک درصد» احتمال خیانت در بعد از ازدواج بیشتر می‌شود. بنابراین در این رویکرد، اگر یک زن یا مرد، در پیش از ازدواج تجربه رابطه جنسی با ده نفر را داشته باشد، به میزان ده درصد، احتمال خیانت پس از ازدواج در او بیش از یک فرد معمولی است که این تجربه را نداشته است. همچنین فورست و تاندر^۲ (۱۹۹۶) در مطالعه خود بیان می‌کنند افرادی دارای بیشترین تجربه خیانت زناشویی بودند که حداقل چهار شریک جنسی^۳ را در روابط پیش از ازدواج خود تجربه کرده بودند.

مطالب بالا، مروری اجمالی بر عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری خیانت زناشویی در مطالعات خارجی بود اما در پژوهش حاضر قصد بر این است که عوامل تعیین‌کننده و شناسایی شده خیانت زناشویی در بستر پژوهش‌های ایرانی مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار بگیرد. حال در همین راستا و در ادامه سعی می‌کنیم به واکاوی مطالعات داخلی انجام گرفته در حوزه خیانت زناشویی در جامعه ایرانی به روشی نظام‌مند بپردازیم.

روش پژوهش

1. Levin

2. Forste & Tanfer

3. Sexual partners

پژوهش حاضر با استفاده از روش «فراترکیب کیفی»^۱ انجام پذیرفته است. فراترکیب، روشی نسبتاً جدید در تحقیقات کیفی است. هدف فراترکیب، تفسیر یکپارچه و جدیدی از نتایج یافته‌های کیفی در مطالعات پیشین است (والش و دون^۲، ۲۰۰۴: ۲۰۴). دلایل متعددی برای استفاده از مطالعات فراترکیب در پژوهش‌های کیفی وجود دارد. اولین دلیل، این است که در سال‌های اخیر، میزان علاقه و استفاده از تحقیقات کیفی به طور معنی‌داری افزایش یافته است. در این راستا فراترکیب با تلفیق نتایج تحقیقات متعدد به محققان برای شناسایی انواع تم‌ها و مضامین رایج و مقایسه گروه‌های مفهومی مختلف کمک می‌کند و باعث ایجاد بینشی جامع‌تر و عمیق‌تر نسبت به موضوع مورد مطالعه می‌گردد که ممکن است در یک پژوهش واحد حاصل نشود. (اروین^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ هربر^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). با این همه، فراترکیب را نباید با برخی از روش‌های پژوهشی مرسوم، یکسان گرفت. به طور مثال، فراترکیب، «تحلیل ثانویه»^۵ تحقیقات پیشین نیست؛ چرا که تحلیل ثانویه، تحلیل مجدد «داده‌های خام» مطالعات پیشین است. این در حالی است که در فراترکیب، به تحلیل «نتایج و یافته‌های» مطالعات پیشین پرداخته می‌شود (سندولسکی و باروسو^۶، ۲۰۰۷: ۲۰). از طرفی، هرچند روش «فراترکیب» نیز همانند روش «فراتحلیل» هر دو به تحلیل نتایج و یافته‌های مطالعات پیشین می‌پردازند اما این دو روش نیز، یکی نیستند. در فراتحلیل، با بهره‌گیری از روش‌های آماری به دنبال «تحلیل کمی» از «یافته‌های کمی» هستیم اما در فراترکیب به دنبال «تحلیل کیفی» از «یافته‌های کیفی» در مطالعات پیشین هستیم (سندولسکی و باروسو، ۲۰۰۷: ۱۸).

فرایند نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در پژوهش فراترکیب حاضر، به صورت هدفمند و چهارچوب نمونه‌گیری آن براساس «ملاک‌های ورود»^۷ و «ملاک‌های خروج»^۸ تعیین شده است. ملاک‌های ورود و

-
1. Qualitative Meta-Synthesis (QMS)
 2. Walsh & Downe
 3. Erwin
 4. Herber
 5. Secondary Analysis
 6. Sandelowski & Barroso
 7. Inclusion Criterion
 8. Exclusion Criterion

ملاک‌های خروج، دو فیلتر مختلف و دو مرحله پیاپی در فرایند نمونه‌گیری در روش فراترکیب هستند. فیلتر یا صافی اول، ملاک‌های ورود است و فیلتر و صافی دوم، ملاک‌های خروج هستند. براساس این دو ملاک، حجم دقیق نمونه‌ها مشخص شده‌اند. در «ملاک‌های ورود» در پژوهش حاضر، به دنبال انتخاب تحقیقات و مطالعاتی بودیم که با هدف پژوهش ما مناسب بودند. لذا در این مرحله، هر پژوهشی که با موضوع خیانت زناشویی در کشور انجام گرفته است به فهرست اولیه نمونه‌گیری «وارد» گردید. ملاک ورود به نمونه، در این مطالعه شامل موارد زیر بود:

≠ هر مقاله «علمی-پژوهشی» یا «علمی-ترویجی» در حوزه خیانت زناشویی که به صورت مقاله کامل چاپ شده و متن کامل آن مقاله در دسترس باشد در فهرست اولیه نمونه‌گیری قرار گرفت. در این راستا به دنبال مقالاتی بودیم که فرایند ارزیابی علمی را زیر نظر داوران متخصص طی کرده باشند تا از این طریق بتوان به نتایج یافته‌های آنها اعتماد کرد.

در مرحله دوم از فرایند نمونه‌گیری، «ملاک‌های خروج» از نمونه، فعال شدند. در این مرحله به دنبال ملاک‌هایی بودیم که از بین پژوهش‌های انتخاب شده در مرحله قبل، برخی از پژوهش‌های نامناسب با فرایند تحلیل ما، از فرایند انتخاب در لیست نهایی نمونه‌ها، حذف شوند. به عبارتی، در ملاک‌های خروج، به دنبال «حذف» منابع و پژوهش‌هایی بودیم که در فهرست اولیه نمونه‌گیری، وارد شده‌اند اما به دلایل مختلف، برای تحلیل نهایی پژوهش حاضر مناسب نبودند. ملاک‌های خروج در مطالعه حاضر شامل موارد زیر بوده است:

➤ کتاب‌ها؛ به دلیل اینکه معمولاً بسیاری از کتاب‌ها نتیجه پژوهش‌های تجربی نیستند و بیشتر مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای‌اند.

➤ پایان‌نامه‌های دانشگاهی؛ به دلیل اینکه پایان‌نامه‌ها عمدتاً چاپ نمی‌شوند و قابلیت دسترسی‌پذیری محدودی دارند.

➤ مقالات همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی؛ به این دلیل که مقالات همایش‌ها اغلب دارای فرایندهای داوری مبهم و در مواردی ضعیف هستند و نمی‌توان به نتایج یافته‌های آنها اعتماد کافی نمود.

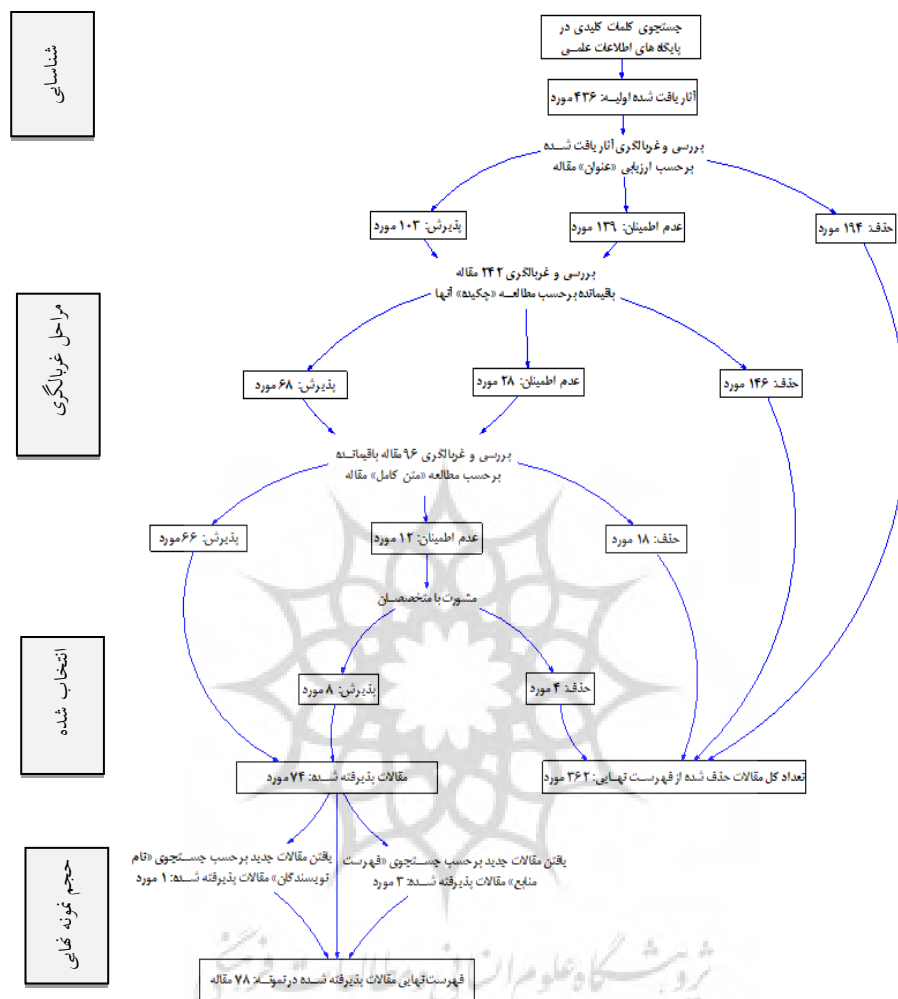
➤ پژوهش‌هایی که فاقد الگوی روش‌شناختی مناسب بودند.

➤ مقاله‌هایی که صرفاً در «عنوان»، با موضوع تحقیق اشتراک لفظی داشتند ولی با آن مرتبط نبودند؛ مانند مقاله‌هایی در حوزه «خیانت در امانت» و نظایر آن.

در راستای ملاک‌های ورود و خروج در فرایند نمونه‌گیری، لیستی از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع تحقیق را در پنج پایگاه اطلاعات علمی کشور که در جدول ۱ مشخصات آنها آمده است مورد جستجو قرار دادیم که در مجموع ۴۳۶ عنوان از محتواهای مختلف، با موضوع خیانت بدست آمد که برحسب سه مرحله غربال‌گری در سطح بررسی «عنوان»، «چکیده» و «متن کامل» مقاله‌ها و ریزش بخشی از حجم نمونه در هر مرحله، در مجموع ۷۴ مقاله، شایسته قرارگیری در نمونه نهایی تشخیص داده شدند. سپس «اسامی نویسندگان» و «فهرست منابع» مقاله‌های انتخاب شده نیز برای یافتن مقالات تکمیلی، مورد واکاوی قرار گرفت که ۴ مقاله نیز از این طریق، یافت شد و به نمونه نهایی، اضافه گردید که در نهایت ۷۸ مقاله برای فرایند تحلیل در پژوهش حاضر انتخاب شد.

جدول ۱. کلیدواژه‌ها و پایگاه‌های اطلاعات علمی جستجو شده در پژوهش حاضر

مفاهیم کلیدی مورد جستجو	منابع و پایگاه‌های اطلاعات علمی مورد جستجو
خیانت	پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir)
خیانت جنسی / خیانت عاطفی	پرتال جامع علوم انسانی (www.ensani.ir)
خیانت زناشویی	پایگاه اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)
روابط فrazناشویی	پایگاه مجلات تخصصی نور (www.noormags.com)
روابط جنسی فrazناشویی	جویشگر علمی فارسی (www.elmnet.com)
روابط خارج زناشویی	بررسی «فهرست منابع» مقالات منتخب از پایگاه‌های فوق‌الذکر
بی‌وفایی / بی‌تعهدی	بررسی «اسامی نویسندگان» مقالات منتخب از پایگاه‌های فوق‌الذکر



نمودار ۱. خلاصه فرایند نمونه‌گیری در پژوهش حاضر

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، فرایند اصلی تجزیه و تحلیل اطلاعات استخراج شده از مقاله‌های مورد مطالعه و سپس ترکیب آنها با بهره‌گیری از تکنیک‌های «کدگذاری»^۱ انجام گرفته است. کدگذاری، قلب فراترکیب و مهمترین مرحله آن است. در این راستا در پژوهش حاضر بر روی اطلاعات استخراج شده از مقالات، چند مرحله کدگذاری انجام گرفته است. مرحله اول، «کدگذاری باز»^۲ بود. در جریان کدگذاری باز، به خرد کردن اطلاعات، تجزیه و تحلیل، مقایسه، برچسب زدن و مقوله‌سازی داده‌ها پرداخته می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۷). کدگذاری باز در پژوهش حاضر، فرایندی بود که در آن اطلاعات دریافتی به صورت واحدهای معنادار درآمدند و در شروع فرایند تحلیل از آنها استفاده شد. هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌ها بود. در این مطالعه، هر جمله خبری در اسناد مورد مطالعه را که نوعی پیام، خبر یا نتیجه‌ای را اعلام می‌کرد که مرتبط با سؤال پژوهش حاضر بود، یک برچسب یا کد مفهومی به آن داده شد. واحد تحلیل، جمله بود و نه پاراگراف. به عبارتی، کدها در سطح جملات، استخراج شدند و هر پاراگراف، مجموعه‌ای از چندین کد را به خود اختصاص می‌داد.

بعد از تحلیل یافته‌های کیفی مقالات مورد مطالعه، در نهایت در مرحله «کدگذاری باز»، ۱۰۸ کد مفهومی بدست آمد. سپس در مرحله «کدگذاری محوری»^۳ مفاهیم مشابه در کدگذاری مرحله قبل در یک مفهوم کلان‌تر طبقه‌بندی شدند. به عبارتی، چندین مفهوم اولیه، در یک مفهوم کلان‌تر خلاصه گردیدند. در نهایت با ترکیب و ادغام ۱۰۸ کد اولیه در مفاهیم مشترک، در مجموع ۳۲ مفهوم بدست آمد که این مفاهیم نیز با دسته‌بندی موضوعی و ادغام آنها در سطحی بالاتر، ۹ مقوله اصلی مشخص شد که بیان‌کننده عوامل اصلی بروز خیانت زناشویی در خانواده ایرانی هستند. به عبارتی، مقوله‌ها یا حیطه‌ها، از ترکیب کدهای محوری شکل گرفتند.

یافته‌های پژوهش

تمام کدها، مفاهیم و مقوله‌های استنتاج شده در پژوهش حاضر در قالب جدول ۲ در این بخش آورده شده است و سپس در ادامه به توضیح تفصیلی جدول زیر پرداخته می‌شود:

-
1. Coding
 2. Open Coding
 3. Axial Coding

جدول ۲. فرایند مقوله‌بندی یافته‌ها در مطالعه حاضر

مقوله	مفهوم	کد اولیه
۱. عوامل روان‌شناختی	شخصیت	شخصیت برون‌گرا؛ خیانت بیشتر - سطح بالای خودشیفتگی - عزت نفس بالا / عزت نفس پایین - اختلال شخصیت مرزی - روان‌پریشی بالا - وجدان پایین
	سبک‌های دلبستگی	سبک دلبستگی ایمن؛ خیانت کمتر - سبک دلبستگی ناایمن؛ خیانت بیشتر (شامل دو سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی)
	طرح‌واره‌های عشق	طرح‌واره عشق ایمن؛ خیانت کمتر - طرح‌واره‌های عشق ناایمن (مانند طرح‌واره عشق غیرجدی و یا طرح‌واره عشق کناره‌گیر)؛ خیانت بیشتر
	فرصت‌های خیانت	فرصت‌های خیانت در فضاهای عمومی - فرصت‌های خیانت در فضاهای آموزشی و دانشگاهی - فرصت‌های خیانت در فضاهای کاری و شغلی - نقش تکنولوژی - های مدرن به عنوان فرصت‌های جدید ارتباطی با جنس مخالف (تلفن‌های هوشمند، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن)
۲. عوامل اجتماعی - محیطی	گروه‌های دوستی منحرف	مشاهده سبک‌های زندگی لذت‌طلب - ترغیب دوستان ناباب - تداوم معاشرت‌های مجردي - رقابت کاذب در گروه‌های دوستی برای ورود به خیانت (رقابت در انحراف).
	شرایط محیطی	منطقه و محله سکونت - کنترل‌های محیطی پایین در شهرهای بزرگ - فرصت گمنامی در کلان‌شهرها - کاهش آشنایی محله‌ای
	تغییر ارزش‌ها و باورها	جهانی‌شدن و تغییر الگوها و نگرش‌های تعامل جنسی در بین جوانان - گسترش ارزش‌های اخلاقی سهل‌انگارانه و نسبیت‌اندیش - رشد ارزش‌های جنسی سهل‌گیرانه‌تر؛ احتمال خیانت بیشتر
۳. عوامل فرهنگی	سبک زندگی دینی	کاهش میزان دینداری - تغییر الگوی دینداری (از دینداری مرجعیت‌گرا به دینداری فردگرا) - کم‌رنگ شدن باورهای مانع‌ساز؛ احتمال خیانت بیشتر
	پایگاه اقتصادی - طبقاتی	سطح درآمد (درآمد بالاتر؛ احتمال خیانت بیشتر & تغییر ناگهانی ثروت مادی همسر؛ احتمال خیانت بیشتر) - پایگاه شغلی (موقعیت شغلی بهتر؛ احتمال خیانت بیشتر & نوع شغل و دسترس‌پذیری به جنس مخالف & داشتن دفتر کار مستقل و وجود محل و مکانی برای ارتباط بیشتر؛ احتمال خیانت بیشتر)
۴. عوامل اقتصادی	مشکلات مالی	خیانت به دلیل کسب درآمد - خیانت برای دستیابی به امکانات رفاهی
	بهانه‌ای برای پیشرفت	خیانت به مثابه انگیزه‌ای برای ترقی اقتصادی (پیشرفت اقتصادی) - خیانت با انگیزه بهبود وضعیت شغلی (پیشرفت شغلی)

مقوله	مفهوم	کد اولیه
۵. عوامل رابطه‌ای - تعاملی	نارضایتی جنسی	قطع شدن رابطه جنسی (به دلیل بارداری همسر و قهر و دعوای طولانی مدت و نظایر آن) - مشکلات جنسی مرد (انزال زودرس و ناتوانی جنسی و تمایل به رابطه جنسی با خشونت) - کمیت پایین رابطه (به دلیل تولد فرزند، بیماری همسر، فضای کوچک خانه و داشتن فرزند نوجوان، قهر، مشاجره و درگیری، زندگی با خانواده همسر در یک آپارتمان و امتناع زن) - کیفیت پایین رابطه (به دلیل همراهی نکردن همسر، سردمزاجی همسر، شرم داشتن و دید منفی همسر به رابطه، امتناع همسر از نوع خاصی از رابطه، زده شدن از رابطه به دلیل امتناع همسر، یکنواخت بودن رابطه با همسر، نداشتن جذابیت جنسی همسر، لذت نبردن از رابطه جنسی با همسر، تحقق نیافتن انتظارات جنسی، علاقه نداشتن به همسر و برقراری رابطه صرفاً به عنوان وظیفه) - فقدان مهارت‌های لازم در رابطه جنسی - عدم توجه به نیازهای جنسی شریک زندگی - جلوگیری از رابطه برای تنبیه جنسی.
	نارضایتی عاطفی	فقدان حمایت عاطفی - بی‌توجهی به همسر (گذراندن وقت با دوستان از طریق تلفن، تفریح، مسافرت و نظایر آن) - ابراز محبت نکردن و ارضاء نکردن نیازهای عاطفی همسر - اختلاف در عقاید و باورها و سلاقی - کشاندن مسائل زناشویی به خانواده‌ها و فراهم کردن زمینه دخالت‌های آن‌ها - خشونت کلامی و عاطفی از سوی همسر - بددهنی و غرزدن‌های مداوم و رفتار تحمل‌ناپذیر همسر (مشاجره و درگیری و قهر طولانی با همسر - علاقه نداشتن به همسر و دوست نداشتن او) (به دلیل ازدواج اجباری یا اجازه ندادن خانواده به ازدواج با فرد مورد نظر و نظایر آن) - از بین رفتن عشق و علاقه و به وجود آمدن دلزدگی زناشویی - برآورده نشدن انتظارات از ازدواج و داشتن حس برتری از همسر - مطرح شدن بحث طلاق به دلیل اختلافات - رفتارهای تحقیرآمیز همسر (مقایسه همسر با مردها / زن‌های دیگر و تمسخر او نزد دیگران)
	احساس تنهایی در رابطه	حس تنها ماندن - احساس نادیده گرفته شدن - احساس طرد - احساس بی-ارزش بودن در رابطه
	نارضایتی از زندگی مشترک	تعارض‌های شدید و حل نشدن - فقدان مهارت‌های حل مسئله - سازگاری پایین در رابطه با همسر - ناکامی در ارضای نیازها
	فقدان دسترسی به همسر	حضور اندک شوهر در منزل - قهر و ترک طولانی منزل - مسافرت‌ها و مأموریت‌های طولانی - شیفت شب همسر - محکومیت‌های قضایی و زندانی بودن همسر
	فقدان کنترل‌های نامحسوس	ضعف نظارت و کنترل بر زندگی توسط همسر - نادیده گرفتن شواهد اولیه انحراف (توسط قربانی) - عدم حساسیت به تغییرات ناگهانی در رفتارهای جنسی و یا عاطفی همسر

مقوله	مفهوم	کد اولیه
	خشونت خانگی	خشونت کلامی همسر - خشونت عاطفی همسر - خشونت فیزیکی همسر - تهمت، سوءظن و بدبینی (نسبت به وفاداری همسر)
	تقابل با همسر	تهدید به جدایی همسر - انتقام از خیانت همسر - جنگ قدرت بین زوجین
	نقش ضلع سوم در رابطه	اصرار به ادامه رابطه توسط نفر سوم - پیشنهادهای اغواگرانه از سوی نفر سوم (پیشنهادهای جنسی، عاطفی یا اقتصادی) - تهدید به افشای خیانت (دست گذاشتن روی نقطه ضعف فرد) - عدم پذیرش پایان رابطه توسط نفر سوم - درد دل کردن با نفر سوم و جبران کمبود توجه و محبت
۶. عوامل خانوادگی	پیشینه خانوادگی فرد	سابقه طلاق والدین، احتمال خیانت بیشتر - سابقه خیانت یک از والدین، احتمال خیانت بیشتر - زندگی در خانواده پرتنش
	اختلافات خانوادگی	اختلاف فرهنگی با همسر - اختلاف طبقاتی با همسر
	ازدواج نامناسب	ازدواج‌های زودهنگام - ازدواج‌های تحمیلی - ازدواج‌های مصلحتی
۷. عوامل فردی	تنوع‌طلبی	حس کنجکاوی - تأکید زیاد بر لذت جنسی - هیجان‌خواهی - کمبود تعهد
	انگیزه‌های تجربه‌ای	تجربه مجدد صمیمیت جنسی - لذت از تجربه دوباره رابطه عاشقانه با فردی غیر از همسر - فرار از روزمرگی و خستگی از زندگی تکراری
	پیشینه فردی	سابقه طلاق فرد - تجربه رابطه جنسی پیش از ازدواج - تجربه رابطه عاطفی پیش از ازدواج - تجربه همخانگی پیش از ازدواج (زندگی مشترک بدون ازدواج با جنس مخالف) - عشق ناکام گذشته (تجربه شکست عاطفی در زندگی مشترک) - تلاش برای احیای روابط قبلی
	اعتیاد جنسی	تمرکز مداوم فرد با مسائل جنسی - تمایلات جنسی مهار نشده در یک طرف رابطه - فانتزی‌های جنسی انحرافی - اعتیاد به پورنوگرافی
	سوءمصرف	مشروبات الکلی (مصرف مشروبات؛ احتمال خیانت بیشتر) مواد مخدر (مصرف مواد مخدر؛ احتمال خیانت بیشتر)
۸. عوامل رسانه‌ای	تضعیف ارزش‌ها از طریق رسانه‌های جمعی و اجتماعی	مشاهده سبک‌های جدید زناشویی در رسانه‌ها - ایجاد آمادگی ذهنی برای داشتن رابطه خارج از ازدواج - مقایسه همسر با زن‌هایی که در فیلم‌ها نقش شریک جنسی دارند - رسانه‌های جدید و شیوع فرهنگ فساد در جامعه - فضای مجازی و مخدوش شدن مرزهای ارتباط با جنس مخالف - فضای مجازی و تخریب حریم خصوصی

مقوله	مفهوم	کد اولیه
	تولید نیازهای جدید از شبکه-های ماهواره‌ای و اجتماعی	تولید فانتزی‌های جنسی در رسانه (پورنوگرافی) - تغییر ذائقه جنسی در گذر زمان (از طریق رسانه‌های جهانی) - ترویج عشق‌های جدید و ناپایدار در رسانه‌ها (عشق سیال و ...) - تحریک به رابطه با مردها / زن‌های متعدد
۹ عوامل زمینه‌ای	سن	خیانت در بین سنین جوان‌تر، بیشتر است - اختلاف سنی زیاد، احتمال خیانت را افزایش می‌دهد - خیانت در ۷ سال اول ازدواج، بیشتر است - هرچه تعداد سال‌های زندگی مشترک بین زوجین بیشتر شود (مدت ازدواج)، احتمال خیانت کمتر می‌شود.
	جنسیت	خیانت، در بین مردان، فراوانی بالاتری نسبت به زنان دارد - مردان، بیشتر به خیانت جنسی گرایش دارند - زنان، بیشتر به خیانت عاطفی گرایش دارند.

یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه خیانت زناشویی در جامعه ایرانی است، نشان داد که عوامل خیانت زناشویی را می‌توان تحت «۹ عامل» مختلف طبقه‌بندی نمود. هر یک از این عوامل نیز به زیرمقوله‌های مختلفی قابل تقسیم هستند. اولین عامل اثرگذار در بروز خیانت زناشویی، مجموعه عوامل روان‌شناختی هستند. که خود به سه مقوله عمده قابل تقسیم است: «شخصیت»، «سبک‌های دلبستگی» و «طرح‌واره‌های عشق». در این راستا، خیانت زناشویی عمدتاً ریشه در افرادی دارد که از ویژگی‌هایی چون شخصیت برون‌گرا، اختلال شخصیت مرزی، سطح بالای خودشیفتگی، روان‌پریشی بالا و یا سبک‌های دلبستگی ناایمن و طرح‌واره‌های عشق ناایمن برخوردار هستند. نتایج پژوهش‌ها در این حوزه نشان داده است که افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن و یا طرح‌واره‌های عشق ناایمن، چندان قادر به ایجاد روابط عمیق و صمیمی با همسر خود نیستند. بنابراین از مناسبات عاطفی، جنسی و روابط زناشویی بلندمدت خود نیز رضایت چندانی ندارند و تعارض‌های میان فردی بالاتری را به خصوص با همسر خویش تجربه می‌کنند. همچنین افراد با طرح‌واره‌های عشق ناایمن، به دلیل نااطمینانی به روابط بلندمدت، به روابط جنسی یک‌شبه و کوتاه‌مدت یا روابط جنسی بدون عشق و امثال آن، بیشتر از مناسبات بلندمدت تمایل پیدا می‌کنند. چنین وضعیتی، به‌مثابه یک عامل مؤثر و زمینه‌ساز برای این دسته از افراد در سوق یافتن آنها به سمت خیانت زناشویی عمل می‌-

کند. از رویکرد روان‌شناختی، خیانت زناشویی آشکارا نوعی بیماری یا اختلال با ریشه‌های روانی قلمداد می‌شود که نیازمند درمان است.

دومین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی در پژوهش‌های این حوزه، «عوامل اجتماعی-محیطی» هستند. این عوامل به مقوله‌هایی چون «فرصت‌های خیانت»، «شرایط محیطی» و همچنین «گروه‌های دوستی منحرف» قابل تقسیم است. در این راستا، فرصت‌های خیانت به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ساز، از عوامل اصلی تسهیل خیانت زناشویی محسوب می‌شود. فرصت‌های خیانت در محیط‌های کاری و شغلی (شامل فرصت همکار بودن با جنس مخالف یا فرصت‌های شغلی که لازمه آن ارتباط بالا با جنس مخالف است) می‌تواند شرایط و بسترهای وقوع خیانت را فراهم نماید. به همین دلیل، احتمال خیانت زناشویی در شاغلین، بیشتر از بیکاران است. همچنین دانشگاه‌ها و سایر محیط‌های اجتماعی که به ارتباط نزدیک‌تر با جنس مخالف منجر می‌شود نیز می‌تواند برای چنین افرادی، به عنوان موقعیت‌های فرصت‌ساز عمل کند. از طرفی، شرایط محیطی نیز در بروز خیانت مؤثر است. در این راستا خیانت در کلانشهرها، بیشتر از شهرهای کوچک و مناطق روستایی است؛ چرا که فرصت گمنامی در کلانشهرها بیشتر و کنترل‌های محیطی و آشنایی محله‌ای در آنها کمتر است. از سوی دیگر، نقش گروه‌های دوستی منحرف نیز به عنوان یک نقش کلیدی در ترغیب افراد به سمت خیانت زناشویی مؤثر است. افرادی که در گروه‌های دوستی خود، دوستانی دارند که تجربه خیانت دارند و یا روابط متعدد را تجربه می‌کنند احتمال بیشتری دارد که خود نیز به این رفتارها کشیده شوند. در این راستا، مشاهده سبک‌های زندگی لذت‌طلب و غیرمتعهدانه و همچنین شکل‌گیری نوعی رقابت کاذب در گروه‌های دوستی برای ورود به خیانت زناشویی می‌تواند به سوق دادن افراد به خیانت زناشویی مؤثر باشد.

سومین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عامل فرهنگی» است. این عامل خود را در تغییر ارزش‌ها و تغییر سبک زندگی دینی نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داده است که گسترش جهانی شدن فرهنگی و فراگیر شدن ارزش‌های اخلاقی سهل‌انگارانه و نسبیت‌اندیش در جامعه ایرانی، بتدریج منجر به تغییر نسبی در ارزش‌های جنسی و تعهد جنسی در بین نسل‌های جدیدتر شده است. از طرفی، با کاهش میزان دینداری در بین جوانان و همچنین تغییر الگوی

دینداری از «دینداری فقهی» (مرجعیت گرا) به «دینداری سکولار» (فردگرا) در سال‌های اخیر، بتدریج باورهای دینی مانع‌ساز برای پرهیز از خیانت زناشویی نیز در میان جوانان در حال کاهش است. در شرایط کنونی، افراد در جریان زندگی روزمره خود، کمتر از نسل‌های پیشین به احکام دینی (به عنوان فصل‌الخطاب) رجوع می‌کنند و عمدتاً به تشخیص فردی خود (و نه دستور دین) عمل می‌کنند که این امر منجر به ظهور نوعی دینداری سکولار و فردگرا در جامعه شده است؛ یعنی شرایطی که فرد اگرچه خود را دیندار می‌داند اما به «مرجعیت دینی و احکام فقهی» ملتزم نیست و در موارد متعدد به تشخیص خود عمل می‌کند. پیامد این تغییر رویکرد، تضعیف کنترل‌های دینی در پرهیز از روابط خارج از خانواده و دین است. البته این همه ماجرا نیست؛ چرا که خوانش‌هایی از دینداری نیز وجود دارد که به افزایش خیانت دامن می‌زند؛ یعنی خوانش‌هایی که چندهمسری را برای مرد مسلمان مجاز می‌داند. با همین قاعده، برخی مردان اقدام به صیغه‌های موقت پنهانی با زنان مختلف می‌کنند و به دور از چشم و اطلاع همسر اصلی خود وارد روابط جنسی و حتی عاطفی با برخی زنان دیگر می‌شوند. این دسته از افراد، از دینداری به عنوان توجیهی برای رسیدن به امیال خود بهره می‌گیرند. با این حال، یافته‌ها نشان داد که فرد هرچه مذهبی‌تر و مومن‌تر باشد، احتمال خیانت در او کمتر است؛ چرا که دغدغه‌های مذهبی و معنوی، با تغییر سبک زندگی، فرد را از اموری مادی (همچون برقراری روابط متعدد با جنس مخالف) به سمت امور معنوی و رابطه با خدا سوق می‌دهد؛ مناسباتی که تنوع‌طلبی عاطفی و جنسی را به میزان قابل توجهی در افراد متدین کاهش می‌دهد.

چهارمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل اقتصادی» است. در موارد متعدد خیانت زناشویی برای مردان، هزینه مالی دارد و برای زنان، درآمد به همراه دارد. به همین دلیل، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در بین مردان با سطح درآمد بالاتر، احتمال وقوع خیانت زناشویی بیشتر است و مردان با درآمد پایین‌تر، امکان کمتری برای خیانت دارند. همچنین تغییر ناگهانی ثروت مادی مردان نیز احتمال تغییر رفتار و گرایش به سمت خیانت‌های زناشویی را در آنها افزایش می‌دهد. از طرفی، پایگاه و موقعیت شغلی مردان نیز اگر بالا باشد، معمولاً احتمال خیانت در آنها بیشتر است؛ چرا که موقعیت شغلی بالا، طبیعتاً قدرت مالی بیشتر و موقعیت اجتماعی بالاتری را برای افراد به همراه دارد و همین وضعیت، پتانسیل خیانت را در آنها بیشتر

می‌کند. همچنین نوع شغل و میزان دسترسی‌پذیری به جنس مخالف نیز از شرایط تسهیل‌کننده خیانت در بین مردان و زنان است؛ درصد بالایی از خیانت‌ها از محیط‌های شغلی آغاز می‌شود. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که برای زنان (برخلاف مردان)، مشکلات مالی می‌تواند به عنوان یک عامل اقتصادی انگیزه‌بخش برای بروز خیانت عمل کند. خیانت برای کسب درآمد و یا خیانت به مثابه ابزاری برای پیشرفت شغلی در میان زنان، بیشتر از مردان مشاهده شده است. معمولاً خیانت برای بهبود وضعیت شغلی توسط زنان با کارفرمای مرد خود و در محیط‌های کاری انجام می‌گیرد؛ تا از این طریق، هم مزایا و جایگاه شغلی فرد، ارتقاء یابد و هم ثبات و امنیت شغلی او تضمین گردد.

پنجمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل رابطه‌ای-تعاملی» هستند. در این بین، شاید مهمترین و پرتأکیدترین عوامل رابطه‌ای که منجر به بروز خیانت می‌شود، نارضایتی-های جنسی و عاطفی است. در این راستا، بخشی از افرادی که از کمیت یا کیفیت رابطه جنسی یا عاطفی خود در زندگی زناشویی رضایت نداشته باشند به سمت تأمین نیازهای بر زمین مانده خویش در روابط بیرون از خانواده می‌روند. در این بین، مردان بیشتر به دنبال خیانت جنسی هستند و زنان خیانت عاطفی. اینها گویای آن است که نارضایتی از زندگی مشترک و ناکامی در ارضای نیازها، از عوامل سوق دهنده به سمت خیانت زناشویی قلمداد می‌شوند. همچنین فقدان دسترسی به همسر نیز از عوامل ترغیب افراد به سمت خیانت است. در این راستا مواردی چون حضور اندک همسر در خانه به دلیل قهر و ترک طولانی منزل یا مسافرت‌ها و مأموریت‌های طولانی همسر و امثال آن، منجر به برهم خوردن نظم جنسی و عاطفی در خانواده می‌شود که همین امر می‌تواند به سوق دادن برخی از زوجین به سمت خیانت زناشویی و تأمین نیازها در بیرون از خانواده منتهی گردد. از طرفی، احساس تنهایی عاطفی در رابطه نیز می‌تواند به خیانت زناشویی منجر شود. اگر سوژه احساس تنها ماندن یا نادیده گرفته شدن یا بی‌ارزش بودن در رابطه با همسر داشته باشد، می‌تواند به سمت خیانت زناشویی حرکت کند. این امر گاه پس از وقوع خشونت‌های خانگی و یا تنش‌ها و تقابل‌های مکرر با همسر رخ می‌دهند.

ششمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل خانوادگی» است. یافته‌ها نشان داد که پیشینه خانوادگی فرد در تمایل به سمت خیانت زناشویی مؤثر است. در این راستا، افرادی که

فرزندان طلاق هستند یا در بین والدین آنها، سابقه خیانت زناشویی وجود داشته است یا حتی در خانواده‌های با تنش‌های بالا زندگی می‌کنند احتمال بیشتری دارد که به سمت تجربه خیانت زناشویی کشیده شوند. افرادی که در خانواده والدینی خود به دلیل وقوع طلاق، خیانت و یا تنش‌های مداوم بین والدین، احساس امنیت عاطفی و روانی چندانی نمی‌کنند احتمال بیشتری دارد که در آینده نیز نسبت به همسر خود احساس امنیت کمتری داشته باشند. آنها بیشتر از سایرین احتمال دارد که دچار سبک دلبستگی ناایمن شوند؛ یعنی سبکی از دلبستگی که مبنای ارتباط آنها را بر پایه بی‌اعتمادی به طرف مقابل شکل می‌دهد. به همین دلیل، این افراد، کمتر می‌توانند به شریک زندگی خود در بلندمدت اعتماد کنند و لذا بیشتر تمایل دارند که به خیانت-های زناشویی و روابط ناپایدار روی می‌آورند. همچنین یافته‌ها نشان داد افرادی که اختلافات خانوادگی (مانند اختلافات فرهنگی یا طبقاتی) عمده با همسر خود دارند نیز از کاندیداهای ارتکاب خیانت زناشویی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، ازدواج‌های نامناسب (مانند ازدواج‌های زودهنگام، تحمیلی یا مصلحتی) نیز می‌تواند به منجر به خیانت زناشویی شود.

هفتمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل فردی» است. در این راستا، گرایش به تنوع‌طلبی و انگیزه‌های تجربه‌ای از عوامل فردی مهم در گرایش به سمت خیانت است. هیجان‌خواهی و تمایل به تجربه مجدد صمیمیت جنسی یا لذت از تجربه دوباره رابطه عاشقانه با فردی غیر از همسر می‌تواند در ایجاد انگیزه برای خیانت زناشویی مؤثر باشد. از طرفی، پیشینه فردی نیز یکی دیگر از عوامل مهم در این زمینه است. در این رابطه، سابقه طلاق فرد و تجربه شکست عاطفی او در زندگی مشترک فرد می‌تواند منجر به افزایش احتمال خیانت در رابطه‌های بعدی‌اش شود. از طرفی، تجربه رابطه جنسی یا عاطفی متعدد پیش از ازدواج و تنوع-طلبی در این عرصه در دوران پیش از ازدواج، منجر به کاهش تعهد فردی در پس از ازدواج می‌شود و لذا احتمال خیانت زناشویی توسط فرد را افزایش می‌دهد؛ این وضعیت، هم در مورد مردان و هم زنان صادق است. همچنین اعتیاد جنسی را نیز نباید فراموش کرد. در این راستا، افرادی که تمایلات جنسی مهار نشده یا فانتزی‌های جنسی خاص و سرکوب شده دارند و یا با مسائل پورنوگرافی درگیر هستند، از کاندیداهای خیانت زناشویی محسوب می‌شوند. از طرفی، یافته‌ها نشان داده است که سوءمصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر نیز منجر به افزایش

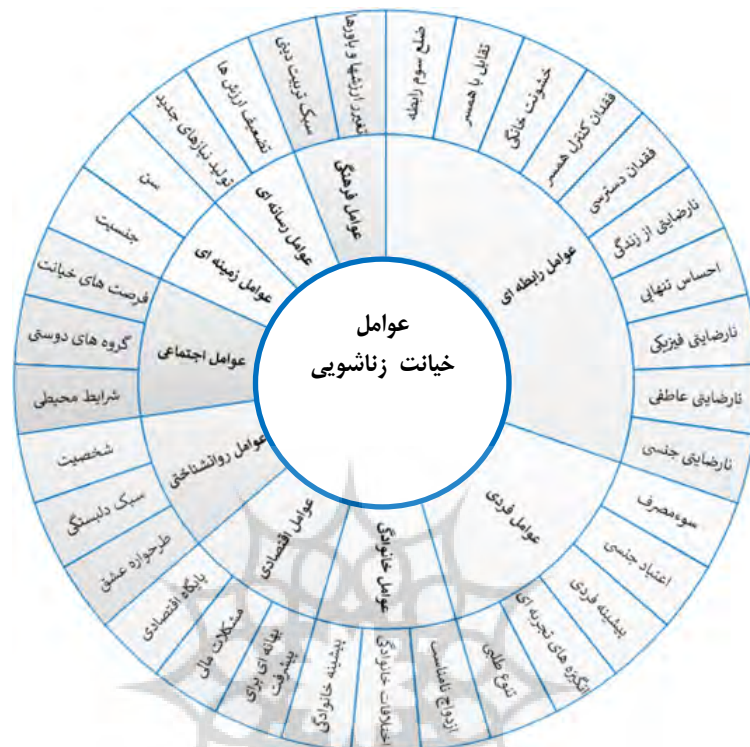
احتمال خیانت زناشویی می‌شود. به نظر می‌رسد که مواد مخدر و مشروبات الکلی با کاهش احساس تعهد و خویشتن‌داری در فرد، زمینه وقوع خیانت زناشویی را در او افزایش می‌دهند. هشتمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل رسانه‌ای» است. این دسته از عوامل به‌مثابه شرایط زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده عمل می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای از طریق بازنمایی سبک‌های جدید زندگی زناشویی، نمایش روابط مثلثی یا موازی و عادی‌سازی روابط بیرون از خانواده، منجر به تضعیف ارزش‌های مبتنی بر وفاداری در درون خانواده می‌گردند. از طرفی، این رسانه‌های اجتماعی با ترویج عشق‌های سیال و ناپایدار، به تغییر ذائقه جنسی و عاطفی در نسل‌های جدید دامن می‌زنند. همین امر با تغییر ارزش‌های فرهنگی جامعه و تولید نیازهای جدید جنسی و عاطفی، بتدریج زمینه‌های ذهنی و فرهنگی را در بخشی از نسل جدید برای حرکت به سمت روابط خارج از چهارچوب خانواده (همچون روابط فرازناشویی و خیانت) و تجربه اینگونه روابط فراهم کرده است.

در آخر، نهمین عامل اثرگذار در وقوع خیانت زناشویی، «عوامل زمینه‌ای» مانند سن و جنسیت است. در این راستا، یافته‌ها گویای آن است که خیانت زناشویی در بین افراد جوان‌تر، بیشتر از افراد در سنین بالاتر است. میزان خیانت در ۷ سال اول ازدواج نیز بالاتر است. هرچه تعداد سال‌های زندگی مشترک بین زوجین بیشتر شود، احتمال خیانت و میزان آن، کمتر می‌گردد. از طرفی، اختلاف سنی زیاد بین زوجین نیز احتمال خیانت را افزایش می‌دهد. شاید یکی از دلایل این امر، کاهش تفاهم در عرصه‌های مختلف بین زوجینی باشد که با یکدیگر اختلاف سنی بالایی دارند. همچنین، خیانت زناشویی در مردان، بیشتر از زنان است. الگوهای خیانت نیز برحسب جنسیت، تا حدی متفاوت است؛ خیانت زناشویی در مردان، بیشتر با انگیزه‌های «جنسی» انجام می‌گیرد ولی در زنان، عمدتاً ریشه در انگیزه‌های «عاطفی» دارد.

نتیجه‌گیری

خیانت زناشویی در سال‌های اخیر، به یکی از تهدیدات جدی برای خانواده ایرانی بدل شده است؛ بطوریکه اکنون یکی از عوامل اصلی طلاق در کشور به شمار می‌آید. از طرفی، خیانت، پدیده‌ای است که ریشه در عوامل متعددی دارد. در این بین محققان در حوزه‌های مختلف در سال‌های اخیر در ایران، هر یک سعی نموده‌اند که از منظر رشته علمی و حوزه تخصصی

خویش، خیانت زناشویی را مورد مطالعه قرار داده و مهمترین عوامل پدیدآورنده آن شناسایی و مورد تحلیل قرار دهند اما با این همه، همچنان جای یک پژوهش تلفیقی که بتواند به جمع‌آوری و طبقه‌بندی نظام‌مند مجموعه عوامل پدیدآورنده خیانت زناشویی در کشور بپردازد، خالی است. مطالعه حاضر برای پاسخ به این خلأ پژوهشی با روش فراترکیب کیفی و با هدف مطالعه ارزیابی تحقیقات صورت گرفته در ایران در حوزه خیانت زناشویی انجام شده است. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که عوامل و زمینه‌های پدیدآورنده خیانت زناشویی در خانواده ایرانی شامل چه مواردی است و این عوامل را تحت چه مفاهیم و مقولاتی می‌توان طبقه‌بندی نمود؟ در این راستا، ۷۸ مقاله علمی منتخب و مرتبط با حوزه خیانت زناشویی در ایران مورد مطالعه و تمام یافته‌های آنها استخراج و مورد تحلیل و کدگذاری چندمرحله‌ای قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل خیانت زناشویی را می‌توان تحت ۹ مقوله کلی، طبقه‌بندی نمود که شامل موارد زیر است؛ ۱- عوامل اجتماعی - محیطی؛ ۲- عوامل روان-شناختی؛ ۳- عوامل فرهنگی؛ ۴- عوامل خانوادگی؛ ۵- عوامل فردی؛ ۶- عوامل رابطه‌ای - تعاملی؛ ۷- عوامل اقتصادی؛ ۸- عوامل زمینه‌ای و ۹- عوامل رسانه‌ای. هر یک از مقوله‌های کلان نیز به زیرمقوله‌های مختلفی تفکیک شده است. مدل مفهومی استخراج شده از تحقیق که حاصل تحلیل طبقه‌بندی شده از نتایج تحقیقات و مطالعات علمی منتخب در حوزه خیانت زناشویی در جامعه ایرانی است؛ شامل ۹ مقوله اصلی و ۳۲ مقوله فرعی است که در قالب نمودار ۲، به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۲. مدل مفهومی استخراج شده از «عوامل خیانت زناشویی» از یافته‌های پژوهش حاضر

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که خیانت زناشویی، نه صرفاً ریشه‌های روان‌شناختی دارد و نه اجتماعی و نه حتی اقتصادی. به عبارتی خیانت، پدیده‌ای «تک عاملی» نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل مختلف، می‌تواند منجر به بروز خیانت زناشویی شوند. با این حال، برای بروز خیانت، الزاماً نیازی به حضور همه این عوامل در کنار یکدیگر نیست بلکه بخشی از این عوامل یا ترکیبی از آنها نیز می‌تواند خیانت زناشویی یا حداقل پتانسیل وقوع آن را پدید آورد. از طرفی، این یافته‌ها گویای آن بود که عوامل خیانت زناشویی، چنان زیاد است که تقریباً می‌توان پتانسیل خیانت را در بخش زیادی از خانواده‌ها جستجو نمود. در این راستا به نظر می‌رسد که نارضایتی جنسی و عاطفی، از مهمترین عوامل بروز خیانت زناشویی هستند؛ چرا که بیشترین تأکید در مطالعات پیشین در حوزه خیانت زناشویی بر این دو عامل تمرکز یافته است. با این حال نکته مهم آن است که اگرچه این دو عامل از بازیگران اصلی هستند اما تنها بازیگران

موجود نیستند و خیانت زناشویی (اگر پای عوامل دیگر به میان آید) حتی می‌تواند بدون نارضایتی جنسی و عاطفی نیز رخ دهد.

از سویی، حتی نارضایتی جنسی و عاطفی نیز الزاماً منجر به خیانت نمی‌شود؛ چرا که این دو عامل، صرفاً «پتانسیل» وقوع خیانت (نه الزاماً «تحقق» آن) را پدید می‌آورند. به عبارتی، برخی از سوژه‌هایی که خود را قربانی رابطه‌ای می‌دانند که در آن نه کام جنسی گرفته‌اند و نه بهره‌ای عاطفی از آن برده‌اند به فکر خیانت برای تأمین این خلاءها و کمبودها خواهند افتاد اما با این حال، همه این افراد نیز در عمل خیانت را تجربه نمی‌کنند؛ چرا که وقوع عملی خیانت، نیازمند تحقق عوامل دیگری هم هست. یکی از این عوامل، «فرصت خیانت» است. در این راستا، اگر فرصت‌های خیانت برای فردی که به دنبال آن است فراهم نباشد او حتی اگر بخواهد نیز به راحتی نمی‌تواند به امیال خود، جامه عمل بپوشاند. به همین دلیل، افرادی که به دنبال خیانت زناشویی هستند نیازمند فرصت‌ها و شرایط محیطی مناسبی هستند. در این راستا، فضاهای شغلی و آموزشی که مرد و زن در کنار یکدیگر هستند به عنوان فرصت‌های نوین ارتباط با جنس مخالف، به عنوان شرایطی بسترساز برای وقوع خیانت زناشویی عمل می‌کنند. البته نقش تکنولوژی‌های مدرن به عنوان فرصت‌های جدید ارتباطی با جنس مخالف را نیز نباید نادیده گرفت. امروزه تلفن‌های هوشمند و اینترنت پرسرعت که در دسترس میلیون‌ها نفر قرار دارد موجب شده است که به کمک شبکه‌های اجتماعی مجازی، دوست‌یابی‌های آنلاین نیز از این طریق مهیا شود؛ روابطی که گاه منجر به خیانت افراد متأهل نیز می‌گردد.

از طرفی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که رویکرد غالب در مطالعه خیانت زناشویی در ایران تا کنون، بیشتر در سطح فردی و روان‌شناختی بوده است. اغلب تحقیقات در این حوزه، توسط روان‌شناسان، روان‌پزشکان و متخصصان مشاوره انجام گرفته است و طبیعتاً زمینه‌ها و عواملی که برای بروز خیانت توسط آنها شناسایی شده است بیشتر با غلبه عوامل روان‌شناختی، فردی و یا رابطه‌ای است که زمینه‌های خیانت را در سطح فرد و متغیرهای روان‌شناختی جستجو می‌کند و اگر هم به متغیرهای اجتماعی پرداخته‌اند، بسیار نحیف و ضعیف بوده است. نکته مهم در این بین، خلاء تحقیقات جامعه‌شناختی کافی در این حوزه است. با مطالعه تحقیقات پیشین در ایران، بیشتر با پدیده روان‌شناسی خیانت مواجه‌ایم تا

جامعه‌شناسی خیانت. به همین دلیل، عوامل جامعه‌شناختی پدیدآورنده خیانت را کمتر می‌توان در مطالعات پیشین در ایران مشاهده نمود. به طور مثال، رابطه خیانت و قدرت، رابطه سرمایه جنسی و خیانت، تفاوت‌های فرهنگی و خیانت، نقش تحصیلات و خیانت، الگوهای سبک زندگی و خیانت، تغییرات اجتماعی و خیانت، نقش شبکه‌های اجتماعی در توسعه خیانت، رابطه قومیت و خیانت، شکل‌گیری فرهنگ خیانت در لایه‌های پنهان شهری و نظایر آن، در مطالعات خیانت در ایران، جایش تقریباً خالی است.

از سوی دیگر، تأکید بر مطالعه خیانت در ایران، بیشتر بر دوگانه «مردان خائن و زنان قربانی» سوار شده است و از جنبه‌های دیگر واقعیت، تا حد زیادی غفلت نموده است. به طور مثال، محققان در این نوشتار تحقیقات متعددی را از عوامل خیانت مردان در ایران در بین مطالعات پیشین مشاهده نمودند اما پژوهش‌های کمتری در ایران را می‌توان سراغ گرفت که به تجربه و انگیزه‌های «خیانت زنانه» توجه کرده باشد و مهم‌تر از آن روایت «مردان قربانی خیانت» را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده باشد. این امر گویای آن است که اگرچه مطالعات خیانت در ایران، در حال انجام است ولی «سویه‌های روان‌شناختی» و مطالعه «خیانت مردانه» سبب گردیده است که بخش دیگری از خیانت، عاملان آن و عوامل جامعه‌شناختی (و نه صرفاً روان‌شناختی) آن کمتر مورد توجه پژوهشگران در این حوزه قرار بگیرد؛ خلأیی که به نظر می‌رسد تحقیقات بعدی باید به آن توجه بیشتری را مبذول نمایند.

منابع

- آسایش، محمدحسین. فرحبش، کیومرث. سلیمی بجستانی، حسین. دلاور، علی. (۱۳۹۶). تبیین تجارب و واکنش‌های عاطفی زنان قربانی بی‌وفایی همسر؛ یک مطالعه کیفی، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶ (۴): ۳۵۵ - ۳۷۲.
- آزادارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمد حسین. ایثاری، مریم. و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، *دوفصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۲ (۲): ۱ - ۳۴.
- استراوس، آنسلم. کرین، جولیت. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای* (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران، نشر نی.
- مدرسی، فریبا؛ زاهدیان، سسیدحسین. و هاشمی محمدآباد، نذیر. (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی، *ارمغان دانش*، ۱۹ (۱): ۷۸ - ۸۸.
- حبیبی، مجتبی. حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۶). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده؛ یک مطالعه کیفی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱ (۴۲): ۱۶۵ - ۱۸۶.
- حبیب‌پور، کرم. صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*، تهران، نشر لویه.
- علی‌تبار، سیده‌ادی. قنبری، سعید. زاده‌محمدی، علی. حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط زناشویی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۲): ۲۵۵ - ۲۶۷.
- سهرابی، فرامرز. رسولی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴ (۲): ۱۳۳ - ۱۴۳.
- کاوه، سعید. (۱۳۸۳). *روانشناسی بی‌وفایی و خیانت*، تهران، انتشارات هنرهای اندیشه.
- فتحی، منصور. فکرآزاد، حسین. غفاری، غلامرضا. بوالهروی، جعفر. (۱۳۹۲). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳ (۵۱): ۱۰۹ - ۱۳۱.
- فیروزجائیان، علی اصغر. قدیری، حسن. (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۱): ۱۲۰ - ۱۴۴.

- هنرپرووران، نازنین. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب دیده از خیانت همسر، فصلنامه زن و خانواده، ۵ (۲): ۱۳۵-۱۵۰.
- Adamopoulou, E. (2013). New Facts on Infidelity. *Economics Letters*, 121: 458-462.
 - Atkins, D. C., Eldridge, K. E., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). Behavioral Marital Therapy and Infidelity: Optimism in the Face of Betrayal, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73 (1): 144-150.
 - Betzig, L. (1989). Causes of Conjugal Dissolution: A Cross-Cultural Study, *Current Anthropology*, 30 (5): 654-676.
 - Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in Committed Relationships II: A Substantive Review, *Journal of Marital and Family Therapy*, 31 (2): 217-233.
 - Blumstein, P., & Schwartz, P. (1983). *American Couples: Money, Work, Sex*. New York: William Morrow.
 - Boekhout, B. A., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (1999). Relationship Infidelity: A Loss Perspective. *Journal of Personal and Interpersonal Loss*, 4 (2): 97-123.
 - Brand, R. J., Markey, C. M., Mills, A., & Hodges, S.D. (2007). Sex Differences in Self-Reported Infidelity and its Correlates, *Journal of Sex Roles*, 57, 101-109.
 - Cooper, H. M., & Lindsay, J. J. (1998). Research Synthesis and Meta-Analysis. In L. Bickman & D. J. Rog (Eds.), *Handbook of applied social research methods* (pp. 315-337). Thousand Oaks, CA: Sage.
 - Drigotas, S., Safstrom, A., & Gentilia, T. (1999). An Investment Model Prediction of Dating Infidelity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 77: 509-524.
 - Erwin, E., Brotherson, M., Summers, J. A. (2011). Understanding Qualitative Metasynthesis: Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research, *Journal of Early Intervention*, 33 (3): 186 - 200.
 - Fisher, H. (1992). *Anatomy of love: The Natural History of Monogamy, Adultery, and Divorce*, New York: W. Norton.
 - Fisher, H., Tsapelas, I, and Aron, A. (2010). "Infidelity: When, Where, Why". IN WR Cupach and BH Spitzberg, *The Dark Side of Close Relationships II*, New York: Routledge: 175-196.
 - Forste, R., & Tanfer, K. (1996). Sexual Exclusivity Among Dating, Cohabiting, and Married Women. *Journal of Marriage and the Family*, 58, 33-47.
 - Gemmer, S. (2013). Exploring Infidelity: Developing the GEM RIM (Gemmer's Risk of Infidelity Measure), Dissertation of Doctor of Psychology (PsyD), Wright State University.
 - Glass, S. P. (2002). *Not "just friends": Protect your Relationship from Infidelity and Heal the Trauma of Betrayal*. New York: Free Press.
 - Gordon, K. C., Baucom, D. H., Snyder, D. (2005). Treating Couples Recovering from Infidelity: An Integrative Approach, *Journal of Clinical Psychology*, 61(11): 1393-1405.
 - Herber, O. R., Bucker, B., Metzendorf, M. and Barroso, J. (2017). A Qualitative Meta-Summary Using Sandelowski and Barroso's Method for Integrating Qualitative Research to Explore Barriers and Facilitators to Self-Care in Heart Failure Patients, *European Journal of Cardiovascular Nursing: Journal of the Working Group on Cardiovascular Nursing of the European Society of Cardiology*, 16 (8): 662 - 677.
 - Hunt, M. (1974). *Sexual Behavior in the 1970s*, Chicago: Playboy Press.
 - Kinsey, A. C., Pomeroy, W. B., Martin, C. E., & Gebhard, P. (1953). *Sexual Behavior in the Human Female*. Philadelphia: W. B. Saunders.

- Lewandowski Jr., G. W., & Ackerman, R. A. (2006). Something's Missing: Need Fulfillment and Self-Expansion as Predictors of Susceptibility to Infidelity. *The Journal of Social Psychology*, 146(4), 389-403.
- Mileham, B. L. A. (2007). Online Infidelity in Internet Chat Rooms: An Ethnographic Exploration, *Computers in Human Behavior*, 23: 11-31.
- Neumann, M. G. (2008). *The Truth About Cheating: Why Men Stray and What You Can Do to Prevent It*. John Wiley & Sons.
- Paterson, B., Thorne, S., Canam, C., & Jillings, C. (2001). *Metastudy of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis*. London: Sage.
- Sandelowski, M. and Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*, New York: Springer Publishing Company.
- Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Bennett, K. (2002). Forgiveness or Breakup: Sex Differences in Responses to a Partner's Infidelity. *Cognition and Emotion*, 16 (2): 299-307.
- Tafoya, M., A. & Spitzberg, B. H. (2007). The Dark Side of Infidelity: Its Nature, Prevalence, and Communicative Functions. In B. H. Spitzberg & W. R. Cupach (Eds.), *the Dark Side of Interpersonal Communication* (2nd ed., pp. 201-242). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Touesnard, L. (2009). *What's Love Got to Do with It? A Study of the Effects of Infidelity on Contemporary Couples*, M.A Thesis in Sociology, Ontario, University of Waterloo.
- Treas, J. & Giesen, D. (2000). Sexual Infidelity Among Married and Cohabiting Americans. *Journal of Marriage and the Family*, 62(1): 48-60.
- Walsh, D., Downe, S. (2004). Meta-Synthesis Method for Qualitative Research: A Literature Review, *Journal of Advanced Nursing*, 50(2): 204 - 211.
- Whitty, M.T. (2005). The Realness of Cybercheating: Men's and Women's Representations of Unfaithful Internet Relationships. *Social science computer review*, 23 (1): 57 - 67.
- Whitty, M. T. (2007). *Manipulation of Self in Cyberspace*. In B. H. Spitzberg & W. R. Cupach (Eds.), *The Dark Side of Interpersonal Communication* (2nd ed., pp. 93-118). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Wiederman, M. (1997). Extramarital Sex: Prevalence and Correlates in a National Survey. *The Journal of Sex Research*, 34 (2): 167-174.
- Zola, M. F. (2007). Beyond Infidelity-Related Impasse; an Integrated, Systemic Approach to Couples Therapy, *Journal of Systemic Therapies*, 26 (2): 25 - 41.

پیوست؛ فهرست مقالات تحلیل شده در فراترکیب

- آراین فر، نیره، اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و هیجان مدار بر صمیمیت زناشویی زوجین آسیب دیده از خیانت همسر، *فصلنامه پژوهش های مشاوره*، ۱۵ (۵۹): ۷ - ۳۷.
- آسایش، محمدحسین. فرحبش، کیومرث، سلیمی بجستانی، حسین، دلاور، علی. (۱۳۹۶). تبیین تجارب و واکنش های عاطفی زنان قربانی بی وفایی همسر؛ یک مطالعه کیفی، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶ (۴): ۳۵۵ - ۳۷۲.

- آسایش، محمدحسین، فرحبخش، کیومرث، دلاور، علی، سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۹۶). واکنش‌های روان‌تنی و آثار جسمانی ناشی از بی‌وفایی در زنان قربانی بی‌وفایی همسر؛ یک مطالعه پدیدارشناسی، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۲۵ (۸): ۶۴۱ - ۶۵۷.
- آسایش، محمدحسین، فرحبخش، کیومرث، سلیمی بجستانی، حسین، دلاور، علی. (۱۳۹۷). شناسایی و تبیین تجارب و واکنش‌های معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۶ (۱۲): ۵۷ - ۷۸.
- آسایش، محمدحسین، فرحبخش، کیومرث، دلاور، علی، سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۹۷). تجارب و واکنش‌های شناختی زنان آسیب دیده از بی‌وفایی همسر؛ یک مطالعه پدیدارشناسی، *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۷ (۲): ۲۱۴ - ۲۲۹.
- آسایش، محمدحسین، فرحبخش، کیومرث، سلیمی بجستانی، حسین، دلاور، علی. (۱۳۹۸). بررسی واکنش‌های ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر؛ یک مطالعه کیفی، *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹): ۳۱ - ۵۸.
- اجتهادی، مصطفی، واحدی، گلناز. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی پتانسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۷ (۴): ۱۰۵ - ۱۳۸.
- افشاری کاشانیان، امید، زهراکار، کیانوش، محسن‌زاده، فرشاد، تاجیک اسماعیلی، عزیزاله. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان، *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۷۱): ۱۲۲ - ۱۵۶.
- اکبری، زهرا، شفیع‌آبادی، عبدالله، هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های دلبستگی در مردان متأهل با روابط فرازناشویی و فاقد روابط فرازناشویی، *مجله اندیشه و رفتار*، ۵ (۲۰): ۲۵ - ۳۰.
- امینی‌ها، آزاده، فرحبخش، کیومرث، اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۴). تفحص کیفی در واکنش همسران به افشای خیانت زناشویی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵ (۳): ۷۲ - ۹۲.
- باران اولادی، صادق، اعتمادی، عذرا، احمدی، سیداحمد، فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۷). زوج‌درمانی بعد از وقوع خیانت زناشویی مردان؛ یک مطالعه کنترل شده، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶ (۱): ۳۲ - ۳۸.
- برهانی‌زاد، شبنم، عبدی، رضا. (۱۳۹۶). نقش ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش‌بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۱ (۴۵): ۱۷ - ۲۶.

- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۱). اثربخشی درمان پردازش شناختی بر بهبود علائم پس‌آسیبی، کیفیت زندگی، عزت نفس و رضایت زناشویی زنان مواجه شده با خیانت زناشویی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۲): ۱۹۳ - ۲۰۸.
- بهادری جهرمی، ثمینه، پایان، سهیلا. دشت‌بزرگی، زهرا. (۱۳۹۶). پیش‌بینی تمایل به روابط فرازناشویی در میان پرستاران براساس هوش اخلاقی و برخی عوامل زمینه‌ساز، *مجله اخلاق پزشکی*، ۱۱ (۴۱): ۵۷ - ۶۷.
- بهارلو، مهری، کلانتر کوشه، سیدمحمد، مهاجر، یحیی. (۱۳۹۴). مقایسه سبک‌های هویتی در میان زنان متعهد و غیرمتعهد شهر تهران، *پژوهشنامه زنان*، ۶ (۴): ۳۷ - ۵۰.
- پرواسی، آزاده، محمدخانی، شهرام، حسنی، جعفر. (۱۳۹۵). اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر حضور ذهن در رضایت زناشویی زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر: مطالعه تک آزمودنی، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۷ (۲۶): ۸۹ - ۱۰۴.
- پنجه‌بند، یوسف، عنایت، حلیمه. (۱۳۹۵). فرآیند شکل‌گیری رابطه فرازناشویی از نگاه مردان، *فصلنامه ارمغان دانش*، ۲۱ (۸): ۸۳۰ - ۸۴۵.
- پیکانیان، راضیه، فرهادی، هادی. (۱۳۹۶). بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه شهر اصفهان، *فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۷ (۱): ۸۱ - ۸۹.
- ترابیان، لیلا، عامری، فریده، خدابخش، روشنگر. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران بی‌وفا، خیانت‌دیده و عادی، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۸ (۳): ۹ - ۲۵.
- چوپانی، موسی، سهرابی فرد، محمد مهدی، محمدی، فاروق، اسماعیلی، نوشین، صمدی فرد، آذر. (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی؛ یک مطالعه کیفی، *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹): ۷۹ - ۱۰۵.
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی، حاجی‌حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده؛ یک مطالعه کیفی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱ (۴۲): ۱۶۵ - ۱۸۶.
- حجت‌خواه، محسن، محمدی، مژده، ولدبیگی، پیمان. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و بخشودگی با نگرش به روابط فرازناشویی در متأهلین شهر کرمانشاه، *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴ (۴): ۲۰۹ - ۲۲۸.

- حسن‌آبادی، حسین، مجرد، سعید، سلطانی‌فر، عاطفه. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی درمان هیجان‌مدار (EFT) بر سازگاری زناشویی و عواطف مثبت زوج‌های دارای روابط خارج از ازدواج، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱ (۲): ۲۵ - ۳۸.
- خدایاری‌فرد، محمد، علوی‌نژاد، ثریا، سجادی‌اناری، سعید، زندی، سعید. (۱۳۹۵). اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی - رفتاری بر اختلال تنوع‌طلبی جنسی، فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۵ (۴): ۸۵ - ۱۱۶.
- خرم‌آبادی، راضیه، سپهری شاملو، زهره، صالحی فدردی، جواد، بیگدلی، ایمان. (۱۳۹۷). مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی، فصلنامه روان‌شناسی شناختی، ۶ (۱): ۴۶ - ۵۷.
- درتاج، فریبا، رجبیان، ده‌زیره، مریم، فتح‌اللهی، فیروزه، درتاج، فتانه. (۱۳۹۷). رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس تنهایی و خیانت زناشویی در دانشجویان، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۳ (۴۷): ۱۱۹ - ۱۴۰.
- دشت‌بزرگی، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر مداخله مبتنی بر شفقت خود بر احساس تنهایی و تنظیم هیجانی زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸ (۲): ۷۲ - ۷۹.
- رضوانی‌زاده، اکرم، اسلانی‌کتولی، انیسه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی روابط فرازناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و میزان خودشیفتگی در بین دانشجویان متأهل، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۱ (۲): ۳۶ - ۴۵.
- رفیعی، سحر، حاتمی، ابوالفضل، فروغی، علی اکبر. (۱۳۹۰). رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، ۲ (۱): ۲۱ - ۳۶.
- رفیعی، علیرضا، کلانتری، مهرداد، نشاط‌دوست، حمیدطاهر، عریضی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). بر ساخت‌های شخصی فهم همسران خیانت‌دیده از بخشایش همسر، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳ (۴۹): ۱۳۱ - ۱۵۲.
- سودانی، منصور، کریمی، جواد، مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز، نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر، فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، ۱۰ (۴): ۲۵۸ - ۲۶۸.
- سهرابی، فرامرز، رسولی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۴ (۲): ۱۳۳ - ۱۴۳.

- شجاعی، ریحانه، احمدی، سیداحمد، جزایری، رضوان السادات، اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۶). شناسایی و مقایسه آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین، *فصلنامه خانواده-پژوهی*، ۱۳ (۵۲): ۵۵۱-۵۶۸.
- شخمگر، زهرا. (۱۳۹۵). اثربخشی طرح‌واره درمانی بر کاهش مشکلات سلامت روان ناشی از روابط فرازنشویی در زوجین، *فصلنامه نسیم تندرستی*، ۵ (۱): ۳۴-۳۹.
- شرف‌الدین، سیدحسین، صالحی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۵). زمینه‌های روابط فرازنشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران، *فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی*، ۷ (۳): ۱۱۷-۱۳۸.
- شریفی، مرضیه، حاجی‌حیدری، مهناز، خورش، فریبرز، فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۱). رابطه طرح-واره‌های عشق و توجه روابط فرازنشویی در زنان متأهل شهر اصفهان، *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰ (۶): ۵۲۶-۵۳۴.
- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۲): ۱۳۳-۱۴۸.
- شیورانی، مونا، آزادفلاح، پرویز، مرادی، علیرضا، اسکندری، حسین. (۱۳۹۵). درمان اختلال پس از ضربه در زنان با تجربه خیانت همسر، *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۷ (۲۵): ۸۵-۱۰۶.
- صادقی، زهره، صفاری‌نیا، مجید، سهرابی، فرامرز، علی‌پور، احمد. (۱۳۹۶). اثربخشی معنا درمانی بر کاهش افسردگی زن‌های آسیب‌دیده از عهدشکنی همسران، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱ (۳): ۳۱۵-۳۳۲.
- عبدالملکی، مریم، اعظم آزاده، منصوره، قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۴). رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به روابط فرازنشویی در بین زوجین شهر قروه، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱ (۴۳): ۳۰۹-۳۳۲.
- عبدالملکی، مریم، اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۳). بررسی کیفی روابط فرازنشویی، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۳ (۲۴): ۱-۲۰.
- عبدی، محمدرضا، خوش‌کنش، ابوالقاسم، پورابراهیم، تقی، محمدی، روح‌الله. (۱۳۹۱). بررسی سبک دلبستگی و رضایت زناشویی افراد متأهل درگیر خیانت اینترنتی، *فصلنامه مطالعات روان-شناختی*، ۸ (۳): ۱۳۵-۱۵۸.
- عجم، علی اکبر. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره‌ای بر تعارض زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی، *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۰ (۱۸): ۱۲۱-۱۴۲.

- علوی‌زاده، فرانک، شاکریان، عطا. (۱۳۹۵). درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش علائم استرس، اضطراب و افسردگی زنان دارای تجربه روابط فرازناشویی (عاطفی، جنسی)، مجله روان‌پرستاری، ۴ (۶): ۸-۱۳.
- علی‌تبار، سیده‌ادی، پوراوری، مینو، حبیبی عسگرآباد، مجتبی، علی‌پور، زینب. (۱۳۹۴). مقایسه نگرش به روابط فرازناشویی و جهت‌گیری مذهبی کاربران و غیرکاربران شبکه اجتماعی فیس‌بوک، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱ (۴۳): ۲۹۷-۳۰۸.
- علی‌تبار، سیده‌ادی، قنبری، سعید، زاده‌محمدی، علی، حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۰ (۳۸): ۲۵۵-۲۶۷.
- عنایت غلام‌پور، منیره، عبدالله‌زاده، حسن. امیرشاهی، مهربانو، ثناگو، اکرم. (۱۳۹۶). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی در افراد متأهل، فصلنامه روان‌پرستاری، ۵ (۱): ۸-۱۴.
- عنایت، حلیمه، حاجیان، بهجت. (۱۳۹۴). عوامل مرتبط با اعتماد به عدم خیانت؛ مورد مطالعه: مردان و زنان متأهل شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۶۰): ۶۹-۸۶.
- عیسی‌نژاد، امید، باقری، آرزو. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی روش‌های توجیه خیانت؛ سازوکارهای رویارویی با ناهماهنگی‌های شناختی در روابط فرازناشویی، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶ (۲): ۱۸۹-۲۰۷.
- فتحی، منصور، فکرآزاد، حسین، غفاری، غلامرضا، بوالهری، جعفر. (۱۳۹۲). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۱): ۱۰۹-۱۳۱.
- فتحی، منصور، پروین، ستار، جوادیان، سید رضا. (۱۳۹۵). مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی؛ یک مطالعه کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۵ (۴): ۴۰۱-۴۱۸.
- فیروزجانیان، علی اصغر، قدیری، حسن. (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱ (۱): ۱۲۰-۱۴۴.
- قاسمی، بهزاد، رنجبر سودجانی، یوسف، شریفی، کبیر. (۱۳۹۶). نقش عملکرد جنسی و تجربه شکست عاطفی در گرایش زوجین به روابط فرازناشویی، فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۶ (۱): ۴۶-۶۸.
- قره‌گزلو، نادیا، مرادحاصلی، مستانه، عطادخت، اکبر. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی شناختی - رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازناشویی، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۷ (۶۵): ۱۸۶-۲۰۶.

- کرمی، جهانگیر، زکی یی، علی، محمدی، امید، حق شناس، شریفه. (۱۳۹۴). نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چهارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط، *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳ (۳): ۱۲۹ - ۱۵۲.
- کریم‌پور وظیفه‌خورانی، علیرضا، بخشی‌پور رودسری، عباس، ریحانی‌مهر، کیومرث، کمالی قاسم-آبادی، حسین، نوروزی، حسین، عباسی اصل، مجتبی. (۱۳۹۶). مقایسه سیستم‌های مغزی رفتاری در زوجین درگیر در خیانت زناشویی و زوجین عادی در شهرهای تبریز، تهران و کرج، *مجله تصویر سلامت*، ۸ (۲): ۹۷ - ۱۰۳.
- کریمی، جواد، سودانی، منصور، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۳). بررسی میزان اثربخشی زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر بر کاهش افسردگی، علایم استرس پس از سانحه و افزایش گذشت و روابط صمیمانه پس از خیانت همسر، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۴ (۲): ۵۱ - ۶۸.
- کریمی، جواد، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، سودانی، منصور، نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار در علائم افسردگی و تنیدگی پس از سانحه برآمده از روابط زناشویی زوجین، *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۵ (۳): ۳۵ - ۴۶.
- کمال‌جو، علی، نریمانی، محمد، عطا دخت، اکبر، ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۵). پیش‌بینی روابط فرازناشویی براساس هوش معنوی، هوش اخلاقی، رضایت زناشویی و استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت، *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶ (۲): ۳۹ - ۶۷.
- کمالی، سارا، عامری، فریده، خسروی، زهره، رضانی، محمدآرش. (۱۳۹۷). تجربه زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر؛ یک مطالعه پدیدارشناختی، *فصلنامه خانواده‌پژوهش*، ۱۴ (۵۳): ۹۵ - ۱۱۲.
- کیانی‌پور، عمر، محسن‌زاده، فرشاد، زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۶). هم‌سنگی اثربخشی طرح‌واره درمانی و روایت درمانی هنگام به هم پیوستن هر یک از آن‌ها با برنامه غنی‌سازی زناشویی بر گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی و رضایت زناشویی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۷ (۲): ۲۷ - ۵۴.
- مدرسی، فریبا، زاهدیان، سیدحسین، هاشمی محمدآباد، نذیر. (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی، *فصلنامه ارمغان دانش*، ۱۹ (۱): ۷۸ - ۸۸.
- مرسلی، زهرا، موتابی، فرشته، صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۷). تجربه بخشودگی در زنان دچار خیانت زناشویی، *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۷ (۷۰): ۶۸۳ - ۶۹۴.

- مصری‌پور، شیما، اعتمادی، عذرا، احمدی، سیداحمد، جزایری، رضوان السادات. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره فردی و زوجی بر میل به طلاق زوج‌های دارای روابط فرازناشویی، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۴ (۳): ۳۱۰ - ۳۱۶.
- ملک‌عسگر، سعاد، مظاهری، محمدعلی، فتی، لادن، موتابی، فرشته، حیدری، محمود. (۱۳۹۹). دیدگاه طرح‌واره درمانگران نسبت به نقش مولفه‌های طرح‌واره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی؛ یک مطالعه کیفی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۶ (۶۲): ۱۹۹ - ۲۱۶.
- موسوی، سحر، دشت‌بزرگی، زهرا. (۱۳۹۷). تأثیر تصویرسازی ارتباطی بر دیدگاه فهمی و بخشش در زنان آسیب‌دیده از بی‌وفایی زناشویی، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶ (۲): ۲۰۱ - ۲۰۷.
- مومنی‌جاوید، مهرآور، شعاع‌کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۹۰). تأثیر روان‌درمانی زوجینی بر کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران، *مجله تخصصی پژوهش و سلامت*، ۱ (۱): ۵۴ - ۶۳.
- مومنی‌جاوید، مهرآور، شعاع‌کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). اثربخشی مداخلات روان‌درمانی بر بخشش خیانت همسر در زنان متأهل شهر تهران در سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۶ (۱۸): ۱۳۹ - ۱۵۵.
- مومنی‌جاوید، مهرآور، شعاع‌کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی روان‌درمانی گروهی با رویکرد بین‌فردی بر ترمیم نیازهای زنان آسیب‌دیده از عهدشکنی شهر تهران، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۱ (۱): ۱۵۱ - ۱۷۴.
- مومنی‌جاوید، مهرآور، شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، پورشهریاری، مه‌سیما. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین‌فردی بر بهبود روابط زناشویی مادران خیانت‌دیده، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱ (۲): ۸۷ - ۱۱۳.
- مومنی، خدامراد، کرمی، جهانگیر، حویزی زاده‌گان، ندا. (۱۳۹۶). رابطه هیجان‌خواهی، عاطفه مثبت و منفی و ناگویی هیجانی با خیانت زناشویی، *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹ (۴): ۲۲۱ - ۲۳۱.
- مهمان‌نوازان، اشرف. صفاری‌نیا، مجید. آقاییوسفی، علیرضا، حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی روان‌درمانی شناختی - رفتاری و روان‌درمانی آدلری زنان آسیب‌دیده، *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۵ (۲): ۲۳۵ - ۲۵۸.
- نژادکریم، الهه، سعیدی‌فرد، طاهره، وحیدنیا، نرگس، احمدی، خدابخش. (۱۳۹۵). نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی، *سلامت اجتماعی*، ۳ (۴): ۲۹۹ - ۳۰۶.

- نوایی، جعفر، محمدی آریا، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط طرح‌واره‌های اولیه ناسازگار با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل، فصلنامه انجمن علمی پرستاری ایران، ۳ (۴): ۱۸ - ۲۷.
- هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرز، معتمدی، عبدالله، فرخی، نورعلی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷ (۲۸): ۳۳ - ۶۰.
- هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب دیده از خیانت همسر، فصلنامه زن و جامعه، ۵ (۲): ۱۳۵ - ۱۵۰.
- هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۶). اثربخشی رویکرد تلفیقی ایماگوتراپی و رابطه با ابژه بر کنترل عواطف زوجین خیانتکار، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۸ (۲۷): ۱۵ - ۲۸.
- یوسفی، ناصر، کریمی‌پور، بنت‌الهدا، امانی، احمد. (۱۳۹۵). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۶ (۱): ۴۷ - ۶۴.